

The
SCIENCE
of
GETTING
RICH

**THE PROVEN MENTAL PROGRAM
TO A LIFE OF WEALTH**



علم ثروتمند شدن

نویسنده: والاس و تلز

علم ثروتمند شدن

به نام خدا

یادداشتی از راندا براین آفریننده و تولید کننده‌ی اجرایی راز

کمتر از دو سال پیش هنگامی که در زندگی خانوادگی، تجاری و روابط خود از هر سو با چالش‌هایی مواجه بودم با این کتاب آشنا شدم و یا بهتر بگویم این کتاب سر راه من قرار گرفت. صادقانه بگویم از همان اولین شبی که نسخه‌ی کهنه‌ای از این کتاب به دستم رسید (به لطف یکی از دخترانم) زندگی‌ام دگرگون شد. شما هم به محض مطالعه‌ی این کتاب دلیل آن را خواهید فهمید. و «چرا» آن پرسشی بود که من از خود داشتم. چرا انسان‌هایی هستند که به نظر می‌رسد ثروت نامحدودی را به زندگی خود جذب می‌کنند در حالیکه افراد دیگری که از لحاظ قابلیت، استعداد و یا لیاقت همسنگ آن‌ها می‌باشند از فقر و فقدان رنج می‌برند؟ مطالعه‌ی این کتاب کم حجم و شگفت انگیز این حقیقت را به شما نشان خواهد داد که مساله جذب ثروت هیچ ارتباطی با میزان تحصیلات، وضعیت اجتماعی، استعداد، محیط پیرامون، توانایی عقلانی، توانایی جسمی و یا وضعیت جغرافیایی ندارد. والاس واتلز به زبانی صریح و شیوا شرح می‌دهد که چگونه فرد می‌تواند بدون توجه به سابقه‌ی شخصی و یا شرایط محیطی ثروت را به زندگی خود جذب کند. نخستین جمله از فصل اول این شاهکار کم حجم و جاودان حق مطلب را به خوبی ادا کرده است:

«در مدح فقرهر چقدر هم که مدیحه سرایی شود این حقیقت همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند که داشتن یک زندگی کامل و توأم با موفقیت بدون کسب ثروت امکانپذیر نمی‌باشد.»

مطالعه‌ی این کتاب و درک کامل دانش ساده‌ی آن زندگی‌ام را دگرگون کرد. تجارت تولید برنامه‌های تلویزیونی‌ام روز به روز قدرتمندتر شد. سطوح درآمدی من به طرز معجزه آسا سر به آسمان کشید. روابطم به طرز معجزه آسایی بهبود یافت و از هر سو انسان‌های فوق العاده و جدیدی وارد زندگی‌ام شدند. همه‌ی کسانی که این کتاب جادویی را درک کنند به محض فراگیری و بکار بستن مفاهیم ساده و آسان مطرح شده در کتاب همین تجربه‌ها را خواهند داشت. خواندن این کتاب برای شما نیز همین تجربیات را بار خواهد آورد.

این کتاب کلید دستیابی به آن ثروتی است که همیشه در آرزویش بوده‌اید و زندگی شما را تغییر خواهد داد. هنگام مطالعه، این نکته را در نظر داشته باشید که این کتاب در حدود صد سال پیش نوشته شده است و ممکن است برخی مثال‌های آن کمی قدیمی شده باشند، سعی کنید با فکری آزاد و قلبی باز مطالب آن را مطالعه و درک کنید. به خاطر داشته باشید که در شرف کشف واقعیتی نوین و هیجان

علم ثروتمند شدن

برانگیز هستید. شما در آستانه‌ی فراگیری اصول بنیادین ثروت اندوزی و موفقیت هستید. با کتاب انس بگیرید و همانطور که خود والاس واتلز می‌گوید «باور داشته باشید و ایمان بیاورید که تمامی خواسته‌های شما از زندگی در جایی انتظار شما را می‌کشند» با مطالعه و بکار بستن این کتاب تمامی آن خواسته‌ها در دستانتان شماس.

لذت ببرید - راندا براین

مقدمه

این کتاب اثری فلسفی و یا مقاله‌ای نظری نیست بلکه کتابی کاربردی و عملی می‌باشد. زنان و مردانی که تحت فشار مالی قرار دارند و آن‌هایی که می‌خواهند پیش از آگاهی از اصول فلسفی حاکم بر ثروت اندوزی ثروتمند شوند مخاطبان این کتاب هستند. این کتاب برای آن‌هایی که تاکنون زمان، امکانات و فرصت مطالعه‌ی عمیق علوم ماورالطبیعه را نداشته‌اند و با این وجود مشتاق اندازه‌دستاوردهای این علم به عنوان نقطه‌ی آغاز حرکت بهره‌گیرند بدون اینکه بخواهند از تمامی فرایندهای دستیابی به آن نتایج آگاهی داشته باشند، کتاب بسیار مناسبی است.

انتظار می‌رود که خواننده‌ی این کتاب بی‌نظیر به تمامی مطالب آن با همان ایمانی که اصول مربوط به قانون الکتروسیته‌ی ادیسون و مارکونی را می‌پذیرد، ایمان داشته باشد. و با ایمان به این مطالب بی‌درنگ و بدون ذره‌ای هراس و تردید درستی آن‌ها را ثابت کند. هر مرد و یا زنی که اینکار را انجام دهد بطور قطع ثروتمند خواهد شد زیرا علم بکار رفته در این کتاب علمی دقیق است و عدم موفقیت در آن محال است. کسانی که مایل‌اند جهت قوت بخشیدن به ایمان خود از نظریه‌های فلسفه و منطق استفاده کنند می‌توانند به آثار فلسفی فلسفه‌های اشراق، سقراط، دکارت، اسپینوزا، لاینیتس، شوپن هاور، هگل و امرسون مراجعه کنند. در اینجا به نظریه‌ی یگانگی در کائنات اشاره می‌کنم. آمده است که همه‌ی جهان از یک شیء شکل گرفته است و آن شیء در واقع از همه‌ی جهان بوجود آمده است. در این نظریه جوهره‌ای وجود دارد که به شکل‌ها و قالب‌های مختلف مادی خود را نشان می‌دهد. این عقیده از هند منشاء گرفته است و ظرف ۲۰۰ سال گذشته به فلسفه‌های غربی پانهاده است. جهت دستیابی به عمق فلسفه‌ی حاکم بر این کتاب آثار هگل و امرسون را مطالعه کنید.

در نگارش کتاب بسیاری از ملاحظات را فدای سادگی و آسان فهمی سبک کرده‌ام تا همه بتوانند مفاهیم مطرح شده در کتاب را به خوبی درک کنند. برنامه‌ی عملی این کتاب از نتایج فلسفی اقتباس شده‌اند

علم ثروتمند شدن

و تمامی این فلسفه‌های آزمایش شده در بر گیرنده‌ی تمامی تجربیات عملی در سطحی عالی می‌باشند و عملی و کاربردی بودن آن‌ها ثابت شده است. در صورتی که بخواهید چگونگی دستیابی به این نتایج را درک کنید آثار نویسندگانی که از آن‌ها نام برده‌ام را مطالعه کنید اما اگر می‌خواهید ثمره‌ی این فلسفه‌ها را در عمل بچینید این کتاب را با دقت مطالعه کنید و هر آنچه را که از شما خواسته دقیقاً و به همان شیوه‌ی گفته شده انجام دهید.

فصل اول

حق ثروتمند بودن

در مدح فقر هر چقدر هم که مدیحه‌سرای‌ی شود این حقیقت هم‌چنان به قوت خود باقی خواهد ماند که داشتن یک زندگی کامل و توأم با موفقیت بدون کسب ثروت امکان‌پذیر نمی‌باشد. هیچ انسانی بدون در اختیار داشتن پول فراوان نمی‌تواند به بالاترین درجه از رشد روحی و یا شکوفایی استعدادهای خود برسد. انسان برای رشد روحی و شکوفایی استعدادهایش به امکاناتی نیاز دارد که بدون پول نمی‌تواند آن‌ها را تهیه کند. جامعه‌ی انسانی طوری سازمان‌دهی شده است که مالکیت و استفاده از این امکانات صرفاً از طریق پول ممکن است لذا علم ثروت‌اندوزی را می‌توان پایه و اساس تمامی پیشرفت‌های بشری دانست. هدف از زندگی رشد و بالندگی است و حق هر موجود زنده‌ای است که قابلیت‌های خود را تا حد امکان رشد دهد. حق حیات در انسان به این معناست که او حق دارد از تمامی امکانات ممکن به طور آزادانه و نامحدود در جهت رشد و بالندگی جسمی، روحی و ذهنی استفاده کند و یا به بیان دیگر او حق دارد که ثروتمند باشد.

مفهوم ثروت در این کتاب یک مفهوم استعاری نمی‌باشد. معنای واقعی ثروتمندبودن قناعت به کم نیست. هر کس که بتواند از امکانات بیش‌تری استفاده کند و لذت ببرد نباید به کم قانع باشد. هدف از خلق طبیعت، شکوفایی، بالندگی و رشد حیات است و هر انسانی باید بتواند هر آنچه که به قدرت، شکوه، زیبایی و زندگی پر بار و غنی مربوط می‌شود را در اختیار داشته‌باشد و قناعت به کمتر از آن گناه است. ثروتمند کسی است که تمامی امکانات لازم برای یک زندگی پر بار را در دست دارد. هیچ انسانی نمی‌تواند بدون پول فراوان تمامی نیازهای خود را برآورده کند. امروزه زندگی بسیار پیشرفته و پیچیده شده است و هر زن و مرد معمولی برای رسیدن به خواسته‌های خود به ثروت زیادی نیاز دارند. گرایش و میل ذاتی هر انسان تبدیل شدن به آن چیزی است که قابلیت‌های آن در درون او به ودیعه نهاده شده است. ما ناچاریم بپذیریم که خواهان آن بودنی هستیم که می‌توانیم باشیم. معنای موفقیت در زندگی این است که همان

علم ثروتمند شدن

چیزی شویم که می‌توانیم و می‌خواهیم و این کار را می‌توان با استفاده از امکاناتی انجام داد که ثروت امکان خریداری آن‌ها را به ما می‌دهد. درک و شناخت علم ثروت‌اندوزی از ضروری‌ترین دانش‌هاست.

هیچ اشکالی ندارد اگر که بخواهید ثروتمند شوید. تمایل به ثروت در واقع گرایش به یک زندگی غنی‌تر، پربارتر و سرشارتر است که این میل، قابل تحسین و ستایش است. انسان فاقد میل به زندگی پربار، انسانی غیر طبیعی است. کسی که نخواهد در جهت رسیدن به خواسته‌های خود پول کافی در دست داشته باشد غیرطبیعی است. انسان با سه انگیزه و هدف زندگی می‌کند؛ ما برای جسم خود زندگی می‌کنیم، ما برای ذهن خود زندگی می‌کنیم، ما برای روح خود زندگی می‌کنیم. هیچ‌کدام از موارد فوق بر دیگری برتری ندارند و یا مقدس‌تر نیستند، همگی به یک اندازه مطلوب هستند و حیات پربار در هر کدام از سه عرصه‌ی جسم، روح و ذهن در گرو تجلی پربار آن دو عرصه‌ی دیگر است. درست و شرافت‌مندانه نیست که صرفاً در خدمت روح زندگی کرد و جسم و ذهن را به کناری گذاشت. زندگی در خدمت ذهن و نادیده گرفتن نیازهای جسمی و روحی نیز خطاست.

همگی با پی‌آمدهای نفرت‌انگیز حیات صرفاً جسمانی و انکار نیازهای روحی و ذهنی آشنا هستیم. حیات واقعی به معنای تجلی کامل تمامی آن چیزهایی است که انسان بتواند با استفاده از جسم، ذهن و روح خود به عرصه‌ی ظهور برساند. هیچ انسانی پیش از آن که جسم‌اش در تمامی کارکردهای خود به کمال نرسیده باشد به سعادت واقعی و رضایت نمی‌رسد. همین مطلب درباره‌ی روح و ذهن هم صادق است. در جایی که احتمالاً به ظهور نرسیده‌ای وجود دارد و یا بالقوه‌ای، بالفعل نشده باشد میل ارضا نشده‌ای وجود خواهد داشت و این میل همان احتمالی است که می‌خواهد متجلی شود و یا بالقوه‌ای است که در طلب به فعلیت درآمدن است. انسان نمی‌تواند بدون غذای مناسب، لباس راحت و سرپناه گرم و رهایی از رنج و زحمت طاقت‌فرسای کار جسمی حیات کاملی را تجربه کند. استراحت و تفریح در یک حیات کامل جسمی ضروری هستند.

انسان نمی‌تواند بدون کتاب و زمان کافی برای مطالعه، بدون داشتن فرصت سفر و مشاهده و یا بدون داشتن دوستانی که از لحاظ عقلی او را رشد دهند یک حیات کامل ذهنی را تجربه کند. حیات پربار در هر کدام از سه عرصه‌ی جسم، روح و ذهن در گرو تجلی پربار آن دو عرصه‌ی دیگر است. درست و شرافت‌مندانه نیست که صرفاً در خدمت روح زندگی کرد و جسم و ذهن را به کناری گذاشت. زندگی در خدمت ذهن و نادیده گرفتن نیازهای جسمی و روحی نیز خطاست. همگی با پی‌آمدهای نفرت‌انگیز حیات صرفاً جسمانی و انکار نیازهای روحی و ذهنی آشنا هستیم. حیات واقعی به معنای تجلی کامل تمامی آن چیزهایی است که انسان بتواند با استفاده از جسم، ذهن و روح خود به عرصه‌ی ظهور برساند. هیچ انسانی پیش از آن که جسم‌اش در تمامی کارکردهای خود به کمال نرسیده باشد به

علم ثروتمند شدن

سعادت واقعی و رضایت نمی‌رسد. همین مطلب درباره‌ی روح و ذهن هم صادق است. در جایی که احتمالاً به ظهور نرسیده‌ای وجود دارد و یا بالقوه‌ای، بالفعل نشده باشد میل ارضا نشده‌ای وجود خواهد داشت و این میل همان احتمالی است که می‌خواهد متجلی شود و یا بالقوه‌ای است که در طلب به فعلیت درآمدن است.

انسان نمی‌تواند بدون غذای مناسب، لباس راحت و سرپناه گرم و رهایی از رنج و زحمت طاقت‌فرسای کار جسمی حیات کاملی را تجربه کند. استراحت و تفریح در یک حیات کامل جسمی ضروری هستند. انسان نمی‌تواند بدون کتاب و زمان کافی برای مطالعه، بدون داشتن فرصت سفر و مشاهده و یا بدون داشتن دوستانی که از لحاظ عقلی او را رشد دهند یک حیات کامل ذهنی را تجربه کند.

حیات پربار در هر کدام از سه عرصه‌ی جسم، روح و ذهن در گرو تجلی پربار آن دو عرصه‌ی دیگر است. درست و شرافت‌مندانه نیست که صرفاً در خدمت روح زندگی کرد و جسم و ذهن را به کناری گذاشت. زندگی در خدمت ذهن و نادیده گرفتن نیازهای جسمی و روحی نیز خطاست. همگی با پی‌آمدهای نفرت‌انگیز حیات صرفاً جسمانی و انکار نیازهای روحی و ذهنی آشنا هستیم. حیات واقعی به معنای تجلی کامل تمامی آن چیزهایی است که انسان بتواند با استفاده از جسم، ذهن و روح خود به عرصه‌ی ظهور برساند.

هیچ انسانی پیش از آن که جسم‌اش در تمامی کارکردهای خود به کمال نرسیده باشد به سعادت واقعی و رضایت نمی‌رسد. همین مطلب درباره‌ی روح و ذهن هم صادق است. در جایی که احتمالاً به ظهور نرسیده‌ای وجود دارد و یا بالقوه‌ای، بالفعل نشده باشد میل ارضا نشده‌ای وجود خواهد داشت و این میل همان احتمالی است که می‌خواهد متجلی شود و یا بالقوه‌ای است که در طلب به فعلیت درآمدن است. انسان نمی‌تواند بدون غذای مناسب، لباس راحت و سرپناه گرم و رهایی از رنج و زحمت طاقت‌فرسای کار جسمی حیات کاملی را تجربه کند. استراحت و تفریح در یک حیات کامل جسمی ضروری هستند. انسان نمی‌تواند بدون کتاب و زمان کافی برای مطالعه، بدون داشتن فرصت سفر و مشاهده و یا بدون داشتن دوستانی که از لحاظ عقلی او را رشد دهند یک حیات کامل ذهنی را تجربه کند.

حیات پربار در هر کدام از سه عرصه‌ی جسم، روح و ذهن در گرو تجلی پربار آن دو عرصه‌ی دیگر است. درست و شرافت‌مندانه نیست که صرفاً در خدمت روح زندگی کرد و جسم و ذهن را به کناری گذاشت. زندگی در خدمت ذهن و نادیده گرفتن نیازهای جسمی و روحی نیز خطاست. همگی با پی‌آمدهای نفرت‌انگیز حیات صرفاً جسمانی و انکار نیازهای روحی و ذهنی آشنا هستیم. حیات واقعی به معنای تجلی کامل تمامی آن چیزهایی است که انسان بتواند با استفاده از جسم، ذهن و روح خود به عرصه‌ی ظهور برساند. هیچ انسانی پیش از آن که جسم‌اش در تمامی کارکردهای خود به کمال نرسیده باشد به سعادت واقعی و رضایت نمی‌رسد. همین مطلب درباره‌ی روح و ذهن هم صادق است. در جایی که احتمالاً به ظهور نرسیده‌ای وجود دارد و یا بالقوه‌ای، بالفعل نشده باشد میل ارضا نشده‌ای وجود خواهد

علم ثروتمند شدن

داشت و این میل همان احتمالی است که می‌خواهد متجلی شود و یا بالقوه‌ای است که در طلب به فعلیت درآمدن است. انسان نمی‌تواند بدون غذای مناسب، لباس راحت و سرپناه گرم و رهایی از رنج و زحمت طاقت‌فرسای کار جسمی حیاتِ کاملی را تجربه کند. استراحت و تفریح در یک حیات کامل جسمی ضروری هستند.

انسان نمی‌تواند بدون کتاب و زمان کافی برای مطالعه، بدون داشتن فرصت سفر و مشاهده و یا بدون داشتن دوستانی که از لحاظ عقلی او را رشد دهند یک حیات کامل ذهنی را تجربه کند. حیات پربار در هر کدام از سه عرصه‌ی جسم، روح و ذهن در گرو تجلی پربار آن دو عرصه‌ی دیگر است. درست و شرافت‌مندانه نیست که صرفاً در خدمت روح زندگی کرد و جسم و ذهن را به کناری گذاشت. زندگی در خدمت ذهن و نادیده گرفتن نیازهای جسمی و روحی نیز خطاست. همگی با پی‌آمدهای نفرت‌انگیز حیاتِ صرفاً جسمانی و انکار نیازهای روحی و ذهنی آشنا هستیم. حیاتِ واقعی به معنای تجلی کامل تمامی آن چیزهایی است که انسان بتواند با استفاده از جسم، ذهن و روح خود به عرصه‌ی ظهور برساند. هیچ انسانی پیش از آن که جسم‌اش در تمامی کارکردهای خود به کمال نرسیده باشد به سعادت واقعی و رضایت نمی‌رسد. همین مطلب درباره‌ی روح و ذهن هم صادق است. در جایی که احتمالاً به ظهور نرسیده‌ای وجود دارد و یا بالقوه‌ای، بالفعل نشده باشد میل ارضا نشده‌ای وجود خواهد داشت و این میل همان احتمالی است که می‌خواهد متجلی شود و یا بالقوه‌ای است که در طلب به فعلیت درآمدن است.

انسان نمی‌تواند بدون غذای مناسب، لباس راحت و سرپناه گرم و رهایی از رنج و زحمت طاقت‌فرسای کار جسمی حیاتِ کاملی را تجربه کند. استراحت و تفریح در یک حیات کامل جسمی ضروری هستند. انسان نمی‌تواند بدون کتاب و زمان کافی برای مطالعه، بدون داشتن فرصت سفر و مشاهده و یا بدون داشتن دوستانی که از لحاظ عقلی او را رشد دهند یک حیات کامل ذهنی را تجربه کند. حیات پربار در هر کدام از سه عرصه‌ی جسم، روح و ذهن در گرو تجلی پربار آن دو عرصه‌ی دیگر است. درست و شرافت‌مندانه نیست که صرفاً در خدمت روح زندگی کرد و جسم و ذهن را به کناری گذاشت. زندگی در خدمت ذهن و نادیده گرفتن نیازهای جسمی و روحی نیز خطاست.

همگی با پی‌آمدهای نفرت‌انگیز حیاتِ صرفاً جسمانی و انکار نیازهای روحی و ذهنی آشنا هستیم. حیاتِ واقعی به معنای تجلی کامل تمامی آن چیزهایی است که انسان بتواند با استفاده از جسم، ذهن و روح خود به عرصه‌ی ظهور برساند. هیچ انسانی پیش از آن که جسم‌اش در تمامی کارکردهای خود به کمال نرسیده باشد به سعادت واقعی و رضایت نمی‌رسد. همین مطلب درباره‌ی روح و ذهن هم صادق است. در جایی که احتمالاً به ظهور نرسیده‌ای وجود دارد و یا بالقوه‌ای، بالفعل نشده باشد میل ارضا نشده‌ای وجود خواهد داشت و این میل همان احتمالی است که می‌خواهد متجلی شود و یا بالقوه‌ای است که در

علم ثروتمند شدن

طلب به فعلیت درآمدن است. انسان نمی‌تواند بدون غذای مناسب، لباس راحت و سرپناه گرم و رهایی از رنج و زحمت طاقت‌فرسای کار جسمی حیاتِ کاملی را تجربه کند. استراحت و تفریح در یک حیات کامل جسمی ضروری هستند.

انسان نمی‌تواند بدون کتاب و زمان کافی برای مطالعه، بدون داشتن فرصت سفر و مشاهده و یا بدون داشتن دوستانی که از لحاظ عقلی او را رشد دهند یک حیات کامل ذهنی را تجربه کند. حیات پربار در هر کدام از سه عرصه‌ی جسم، روح و ذهن در گرو تجلی پربار آن دو عرصه‌ی دیگر است. درست و شرافت‌مندانه نیست که صرفاً در خدمت روح زندگی کرد و جسم و ذهن را به کناری گذاشت. زندگی در خدمت ذهن و نادیده گرفتن نیازهای جسمی و روحی نیز خطاست. همگی با پی‌آمدهای نفرت‌انگیز حیاتِ صرفاً جسمانی و انکار نیازهای روحی و ذهنی آشنا هستیم. حیاتِ واقعی به معنای تجلی کامل تمامی آن چیزهایی است که انسان بتواند با استفاده از جسم، ذهن و روح خود به عرصه‌ی ظهور برساند. هیچ انسانی پیش از آن که جسم‌اش در تمامی کارکردهای خود به کمال نرسیده باشد به سعادت واقعی و رضایت نمی‌رسد. همین مطلب درباره‌ی روح و ذهن هم صادق است. در جایی که احتمالاً به ظهور نرسیده‌ای وجود دارد و یا بالقوه‌ای، بالفعل نشده باشد میل ارضا نشده‌ای وجود خواهد داشت و این میل همان احتمالی است که می‌خواهد متجلی شود و یا بالقوه‌ای است که در طلب به فعلیت درآمدن است.

انسان نمی‌تواند بدون غذای مناسب، لباس راحت و سرپناه گرم و رهایی از رنج و زحمت طاقت‌فرسای کار جسمی حیاتِ کاملی را تجربه کند. استراحت و تفریح در یک حیات کامل جسمی ضروری هستند. انسان نمی‌تواند بدون کتاب و زمان کافی برای مطالعه، بدون داشتن فرصت سفر و مشاهده و یا بدون داشتن دوستانی که از لحاظ عقلی او را رشد دهند یک حیات کامل ذهنی را تجربه کند.

فصل دوم

علمی به نام علم ثروت‌اندوزی وجود دارد

علمی به نام علم ثروت‌اندوزی وجود دارد که همانند علوم ریاضی و جبر، علمی دقیق است. قوانین خاصی فرآیند دستیابی به ثروت را هدایت می‌کنند. انسان به محض فراگیری و به کار بستن این قوانین می‌تواند با دقتی ریاضی‌وار ثروتمند شود. تملک اشیاء و پول در نتیجه‌ی انجام کارها به شیوه‌ای خاص رخ می‌دهد. آن‌هایی که کارها را نادانسته یا نادانسته به این شیوه‌ی خاص انجام می‌دهند به یقین ثروتمند خواهند شد در حالی که آن‌هایی که از این شیوه‌ی خاص بهره نمی‌گیرند بدون توجه به میزان سخت‌کوشی

علم ثروتمند شدن

و توانایی‌هایشان فقیر باقی می‌مانند. طبق یک قانون طبیعی علل یکسان نتایج یکسانی ببار می‌آورند. بر اساس این قانون هر زن و مردی که انجام کارها به شیوه‌ای خاص را فرا گرفته و به کار بسته باشند قطعاً می‌توانند ثروتمند شوند.

درستی عبارت فوق را می‌توان با استفاده از حقایق زیر ثابت کرد؛

ثروت‌اندوزی هیچ ارتباطی با محیط پیرامونی ندارد، در غیر این صورت تمامی ساکنان یک محله یا یک شهر باید ثروتمند می‌شدند در حال که ساکنان شهرهای دیگر همگی فقیر باقی می‌مانند، یا ساکنان ایالتی باید غرق ثروت می‌بودند در حالی که ساکنان ایالت همسایه در فقر بسر می‌بردند. در همه جا فقیر و غنی را در کنار یکدیگر می‌بینیم و این در حالی است که در یک محیط زندگی می‌کنند و اغلب به یک حرفه مشغول‌اند. وجود دو نفر با تجارتی یکسان در یک محله در حالی که یکی فقیر و دیگری ثروتمند است نشان می‌دهد که ثروت‌اندوزی اساساً به محیط پیرامونی وابسته نمی‌باشد. البته برخی فضاها در مقایسه با محیط‌های دیگر ممکن است مطلوب‌تر باشند اما هنگامی که دو نفر در یک تجارت و در یک محله فعالیت می‌کنند و یکی ثروتمند می‌شود در حالی که دیگری ورشکست می‌شود می‌توان به این نتیجه رسید که ثروت‌اندوزی نتیجه‌ی انجام کارها به شیوه‌ای خاص است. علاوه بر این توانایی انجام کارها به این شیوه‌ی خاص صرفاً نیازمند داشتن استعدادی خاص نمی‌باشد. بسیاری از افراد مستعد فقیر باقی می‌مانند در حالی که افراد کم استعداد زیادی ثروتمند می‌شوند.

با بررسی زندگی افراد ثروتمند در می‌یابیم که آن‌ها از هر لحاظ انسان‌های متوسط و میان‌رویی بوده‌اند و در مقایسه با دیگر افراد مستعدتر و یا تواناتر نبوده‌اند. روشن است که علت ثروت‌اندوزی این افراد داشتن استعدادها و توانایی‌هایی متفاوت از سایر مردم نبوده‌است. بلکه علت این است که این افراد کارها را به شیوه‌ای خاص انجام داده‌اند. با پس‌اندازکردن و خست به خرج دادن ثروتمند نخواهید شد. بسیاری از افراد خسیس فقیر هستند در حالی که ولخرج‌ها اغلب ثروتمند می‌شوند. انجام کارهای خارق‌العاده و کارهایی که دیگران از انجام آن عاجزند نیز شما را ثروتمند نخواهد کرد. زیرا دو نفری که به یک تجارت مشغول‌اند اغلب کارهای مشابهی را انجام می‌دهند با این وجود یکی ثروتمند می‌شود و دیگری ورشکسته و فقیر باقی می‌ماند. با در نظر گرفتن تمامی موارد فوق به این نتیجه می‌رسیم که ثروت‌اندوزی نتیجه‌ی انجام کارها به شیوه‌ای خاص است.

اگر با انجام کارها به شیوه‌ای خاص می‌توان ثروتمند شد و اگر علل یکسان نتایج یکسانی ببار می‌آورند پس هر مرد و زنی که بتواند کارهای خود را به شیوه‌ای خاص انجام دهند می‌تواند ثروتمند شود. این تعریف نشان می‌دهد که علم دقیقی وجود دارد. مسئله‌ای که در این‌جا مطرح می‌شود این است که

علم ثروتمند شدن

شاید این شیوه‌ی خاص آن قدر مشکل باشد که تنها تعداد اندکی از مردم بتوانند از آن استفاده کنند. این مطلب صحت ندارد زیرا همان طور که دیدیم و تا آنجایی که به توانایی‌های طبیعی انسان مربوط می‌شود همان طور که افراد با استعداد ثروتمند می‌شوند افراد کند ذهن هم ثروتمند می‌شوند، نوابغ و انسان‌های بسیار با هوش هم ثروتمند می‌شوند، انسان‌های سالم و قدرتمند هم ثروتمند می‌شوند، افراد بسیار ضعیف و بیمار هم ثروتمند می‌شوند. البته برای ثروت‌اندوزی سطوحی از توانایی فکری و شناخت لازم است اما تا آنجایی که به توانایی‌های طبیعی انسان مربوط می‌شود هر مرد یا زنی که توانایی مطالعه و فهم این کتاب را داشته باشد بطور قطع ثروتمند خواهد شد.

می‌دانیم که ثروت‌اندوزی هیچ رابطه‌ای با محیط پیرامونی ندارد با این حال موقعیت مکانی در برخی موارد مهم است. هیچ کس نمی‌تواند به اعماق صحرا برود و انتظار داشته باشد تجارت موفق را راه‌اندازی کند ثروت‌اندوزی در معامله با مردم و حضور در مکان‌هایی که انسان‌ها زندگی می‌کنند امکان‌پذیر است و خیلی بهتر است که بافت جمعیتی به گونه‌ای باشد که در معامله موفقیت بیش‌تری انتظار رود. البته این نکته را به خاطر داشته باشید که اهمیت آن به اندازه‌ی اهمیت محیط پیرامونی می‌باشد. اگر در شهر شما ثروتمندی وجود دارد و یا در ایالت شما ثروتمندی زندگی می‌کند شما هم می‌توانید ثروتمند شوید. تکرار می‌کنم که ثروت‌اندوزی مسئله‌ی انتخاب تجارت و یا حرفه‌ای خاص نمی‌باشد. افراد در هر تجارت و یا حرفه‌ای می‌توانند ثروتمند شوند در حالی که ممکن است همسایگان کناری آن‌ها در همان حرفه و شغل فقیر و بی‌چیز باقی بمانند.

واقعیت این است که شما در تجارت مورد علاقه‌ی خود و کاری که با ویژگی‌های ذاتی شما هماهنگ‌تر باشد بهتر عمل می‌کنید. در صورتی که استعداد خاصی دارید که به درستی شکوفا شده است در تجارتی که به آن استعداد نیاز دارد موفق‌تر خواهید بود. همچنین در تجارتی که در محل سکونت شما مناسب‌تر باشد بهتر نتیجه خواهید گرفت. مثلاً یک مغازه‌ی بستنی‌فروشی در آب و هوای گرم بهتر نتیجه می‌دهد تا در مناطق سردسیر و یک ماهی‌فروشی سالمون در شمال غرب ایالات متحده بهتر از فلوریدا که ماهی سالمون در آن یافت نمی‌شود شما را ثروتمند می‌کند. اما علی‌رغم این محدودیت‌های کلی ثروت‌اندوزی مختص به انجام تجارتی خاص نمی‌باشد بلکه بستگی تام به فراگیری و انجام کارها به شیوه‌ای خاص دارد. اگر هم‌اکنون به تجارتی مشغول هستید و فردی در محل سکونت شما از این تجارت ثروتمند شده است و شما نتوانسته‌اید ثروتمند شوید علت این است که شما کارها را به آن شیوه‌ی خاصی که آن فرد انجام می‌دهد انجام نداده‌اید.

کمبود سرمایه مانع از ثروتمند شدن کسی نمی‌شود. البته درست است که داشتن سرمایه‌ی لازم رشد

علم ثروتمند شدن

را سریع تر و آسان تر می کند اما شخص سرمایه دار هم اکنون نیز ثروتمند است و لازم نیست به چگونگی ثروتمند شدن فکر کند. فقر شما اهمیتی ندارد. اگر شروع کنید به انجام کارها به شیوه ای خاص فرآیند ثروت اندوزی آغاز خواهد شد و سرمایه دار می شوید. سرمایه دار شدن بخشی از فرآیند ثروت اندوزی است که خود بخشی از آن نتیجه ای است که به طور قطع در پی انجام کارها به شیوه ای خاص بدست می آید. ممکن است فقیرترین فرد ساکن در قاره ای باشید و شدیداً مقروض باشید. شاید هیچ دوست، نفوذ و یا منبعی در اختیار نداشته باشید اما به محض آغاز به انجام کارها به شیوه ای خاص به طور قطع فرآیند ثروت اندوزی آغاز خواهد شد زیرا که علل یکسان، نتایج یکسانی ببار می آورند. در صورت نداشتن سرمایه می توانید سرمایه دار شوید. اگر تجارت کنونی شما نامناسب است می توانید تجارت مناسبی را آغاز کنید. اگر در موقعیت مکانی نامناسبی هستید به مکان مناسبی نقل مکان کنید و یا این که انجام کارها به شیوه ای خاص را در همان تجارت فعلی و موقعیت جغرافیایی کنونی خود آغاز کنید و به موفقیت برسید.

فصل سوم

آیا این فرصت انحصاری است؟

هیچ کس به این دلیل که فرصت ها از او گرفته شده است و یا این که دیگران ثروت را در انحصار خود درآورده و دور آن را دیواری کشیده اند در فقر بسر نمی برد. ممکن است از فعالیت در تجارتي خاص منع شده باشید اما همیشه راه های دیگری نیز وجود دارد. شاید دستیابی به کنترل سیستم های کلان راه آهن دشوار باشد زیرا که این زمینه ی کاری کاملاً انحصاری است با این وجود تجارت راه آهن برقی هنوز در ابتدای راه است و فرصت های فراوانی را در اختیار سرمایه گذاران قرار می دهد. تا چند سال دیگر مسافرت و حمل و نقل هوایی به صنعتی عظیم تبدیل خواهد شد و در تمامی شاخه های آن فرصت های استخدامی زیادی در اختیار صدها، هزاران و یا شاید میلیون ها نفر قرار خواهد گرفت. چرا به جای رقابت در دستیابی به فرصت های کاری موجود در راه آهن توجه خود را به حمل و نقل هوایی معطوف نکنید؟

البته این واقعیت دارد که شما به عنوان کارگر صنایع فولاد شانس کمی دارید تا صاحب آن کارخانه ای شوید که در آن مشغول هستید، اما مسئله ی مهم دیگری وجود دارد و آن این است که اگر شما متعهد شوید که به شیوه ای خاص عمل کنید می توانید قرارداد استخدامی خود را لغو کنید و مزرعه ای ۱۰ تا ۴۰ جریبی را بخرید و به عنوان تولیدکننده ی مواد غذایی فعالیت خود را آغاز کنید. امروزه فرصت های کاری فراوانی در اختیار کسانی قرار دارد که به عنوان تولیدکننده ی محصولات فصل کشاورزی در مزارع کوچک مشغول بکارند. این افراد قطعاً ثروتمند می شوند. ممکن است بگویید زمین دار شدن هم غیر ممکن است اما من به شما ثابت می کنم که اشتباه می کنید. شما با عمل کردن به شیوه ای خاص مطمئناً مزرعه ای را

به دست خواهید آورد.

در دوران‌های مختلف و با توجه به نیازهای اجتماع و تکامل اجتماعی جریان فرصت‌ها در جهت‌های مختلفی قرار می‌گیرد. در حال حاضر جهت این جریان در آمریکا به سوی کشاورزی و صنایع آلیاژی می‌باشد. یک کارگر کارخانه می‌تواند از این فرصت استفاده کند. تاجری که بتواند نیازهای کشاورزان را تأمین کند فرصتی را در اختیار دارد. افرادی که در جهت جریان رود حرکت کنند در مقایسه با آن‌هایی که در خلاف جریان رود حرکت می‌کنند فرصت‌های بیشتری را در اختیار خواهند داشت. کارگران کارخانه به عنوان تک‌تک افراد جامعه و یا یک طبقه‌ی اجتماعی از این فرصت محروم نشده‌اند. رؤسای این کارگران آن‌ها را محدود نکرده‌اند. صنایع و سرمایه آن‌ها را محدود نکرده است. کارگران به عنوان یک طبقه‌ی اجتماعی در همان جایگاهی قرار گرفته‌اند که باید باشند زیرا کارها را به شیوه‌ای خاص انجام نمی‌دهند. طبقه‌ی کارگر آمریکا اگر بخواهند کارها را به شیوه‌ای خاص انجام دهند باید مانند برادران خود در بلژیک و دیگر کشورها عمل کنند و فروشگاه‌های زنجیره‌ای بزرگی را تأسیس و راه‌اندازی کنند و صنایع تعاونی را به وجود آورند و سپس مردانی از طبقه‌ی اجتماعی خود را به عنوان مدیران خود انتخاب کرده و قوانینی را تصویب کنند که در خدمت رشد این‌گونه صنایع تعاونی باشد.

آن‌ها پس از چند سال می‌توانند به آسانی مالکیت این بخش از صنعت را در اختیار داشته باشند. طبقه‌ی کارگر زمانی که انجام کارها به شیوه‌ای خاص را شروع کند به طبقه‌ی ارباب تبدیل خواهد شد و قانون ثروت برای آن‌ها همانند دیگران عمل خواهد کرد. این کاری است که طبقه‌ی کارگر باید در جایگاه کنونی خود یاد گرفته و به کار ببندد و تا زمانی که به انجام این کار ادامه دهد ثروتمند خواهد شد. جهل و سستی کارگر او را محدود نکرده است، او می‌تواند جریان فرصت موجود را تا ثروتمند شدن دنبال کند و این کتاب چگونگی انجام این کار را به او می‌آموزد. هیچ‌کس به دلیل کمبود منابع ثروت فقیر نمی‌ماند، بیش از نیاز همه منابع ثروت وجود دارد. فقط با استفاده از مصالح ساختمانی موجود در ایالات متحده می‌توان برای هر خانوار قصری به بزرگی قصر «کاخ سفید واشنگتن» ساخت. در شرایط کشاورزی سنگین می‌توان با پشم، کتان، پنبه و ابریشم کافی لباس تمامی ساکنان کره‌ی زمین را تهیه کرد به طوری که همه انسان‌ها بتوانند مانند شاهان در دوره‌ی عظمت آن‌ها لباس بپوشند و می‌توان غذای لازم را برای تغذیه شاهانه تمام ساکنان کره‌ی خاکی فراهم کرد.

منابع آشکار پایان‌ناپذیرند، منابع پنهان نیز نامحدود و پایان‌ناپذیرند. تمامی آنچه بر زمین وجود دارد از یک جوهره‌ی اصیل ساخته شده است که تمامی اشیاء از آن شکل گرفته‌اند. پیوسته قالب‌های جدیدی شکل می‌گیرند و قدیمی‌ترها از بین می‌روند اما همگی این قالب‌ها از یک ماهیت واحد بوجود آمده‌اند. در ماهیت بی‌شکل و جوهره‌ی اصیل هیچ محدودیتی وجود ندارد. اما با وجود اینکه کائنات از آن شکل

گرفته است از تمامی قابلیت‌های آن در بوجود آوردن کائنات استفاده نشده است. فضاهاى موجود در کائنات و فضاهاى پیرامون قالب‌هاى آشکار شده‌ی آن همگی از این جوهره‌ی اصیل پر شده است. تمامی جهان مادی و اشیاء موجود در آن با استفاده از این جوهره‌ی اصیل در کائنات شکل می‌گیرند. ده‌هزار برابر هر آنچه تاکنون بوجود آمده است امکان بوجود آمدن دارد و حتی پس از آن هم ما هنوز منابع مواد خام کائنات را به پایان نبرده‌ایم.

هیچ کس به علت فقر و کمبود در طبیعت در فقر نمانده است. علت فقر، کمبود منابع نیست. طبیعت انباری سرشار از ثروت است و از منابع موجود در آن هیچ‌گاه کاسته نخواهد شد. جوهره‌ی اصیل را یک انرژی خلاق زنده نگه داشته است که پیوسته در حال تولید قالب‌های جدیدی می‌باشد. منابع تولیدکننده‌ی مصالح ساختمانی پایان ناپذیرند و منابع بیش‌تری تولید خواهد شد. هنگامی که منابع خاک به گونه‌ای پایان پذیرد که امکان رشد و پرورش مواد غذایی و مواد اولیه‌ی پوشاک وجود نداشته باشد خاک تجدید شده و منابع جدیدی تولید خواهد شد. آن زمانی که تمامی منابع طلا و نقره، حفاری و استخراج شده باشند و انسان در مرحله‌ای از تکامل اجتماعی خود باشد که هم‌چنان به طلا و نقره نیاز داشته باشد جوهره‌ی بی‌شکل طلا و نقره‌ی بیش‌تری تولید خواهد کرد. ماهیت بی‌شکل نیازهای آدمی را برآورده می‌کند و اجازه نمی‌دهد انسان از اشیاء مورد نیاز خود محروم بماند.

این مطلب درباره‌ی تمامی نژادهای بشری صادق است و ثروت در خدمت همه‌ی انسان‌هاست. علت فقر بسیاری از افراد این است که از شیوه‌ای خاص برای ثروت اندوزی استفاده نمی‌کنند. جوهره‌ی بی‌شکل هوشمند است، می‌اندیشد، زنده است و به حیات بیش‌تر کشش دارد. میل طبیعی و ذاتی هر موجود زنده‌ای رسیدن به حیات طولانی‌تر است. نبض تپنده و ذاتی حیات در هر موجودی در طلب حیات بیش‌تر است. ماهیت هوشمندی در این میل قرار دارد که آگاه است و در طلب رشد و گسترش است. جوهره‌ی حیات بی‌شکل قالب‌های کائنات را شکل داده است و در طلب تجلی کامل خود در این قالب‌ها می‌باشد. کائنات یک موجود زنده‌ی متعالی می‌باشد که ذاتاً در جهت حیات بیش‌تر و عملکرد کامل‌تر حرکت می‌کند. طبیعت در جهت رشد و حیات قرار دارد و انگیزه‌ی آن افزایش حیات است بنابراین هر آنچه که امکان حیات و رشد داشته باشد به‌طور کامل در طلب رشد و حیات است. در محضر خداوند هیچ کمبودی وجود نخواهد داشت زیرا کمبود در تضاد با ذات نامتناهی الهی است.

فقر شما به علت کمبود منابع ثروت نمی‌باشد. این مطلب را در صفحات بعد به خوبی ثابت خواهیم کرد، حتی منابع موجود در جوهره‌ی بی‌شکل تحت اراده‌ی کسانی قرار دارد که به شیوه‌ای خاص عمل می‌کنند.

اندیشه تنها نیرویی است که می‌تواند ثروت‌های آشکار را از جوهره‌ی بی‌شکل خلق کند. این جوهره که منشأ وجودی همه‌ی اشیاء می‌باشد از جوهره‌ای بوجود آمده است که اندیشمند است. اندیشیدن به یک فرم و قالب خاص آن قالب را در جوهره‌ی بی‌شکل بوجود می‌آورد. اندیشه‌ی موجود در جوهره‌ی اصیل آن جوهره را به حرکت در می‌آورد. هر قالب و یا فرآیند طبیعی موجود در طبیعت تجلی آشکار اندیشه‌ای است که در ماهیت بی‌شکل وجود داشته است. به محض این که جوهره‌ی بی‌شکل به قالبی می‌اندیشد به آن قالب در می‌آید. به محض اندیشیدن به جنبشی آن جنبش شکل می‌گیرد. همه‌ی اشیاء به این شیوه خلق شده‌اند. ما در جهانی از اندیشه زندگی می‌کنیم که خود بخشی از کائنات اندیشمند است. اندیشه‌ای از یک کائنات متحرک در سرتاسر جوهره‌ی اندیشمند بی‌شکل گسترانیده شده است و حرکت ماهیت اندیشمند بر اساس آن اندیشه، حرکت در قالب سیستمی از سیارات را در منظومه شمسی شکل داده است و آن قالب را حفظ کرده است. جوهره‌ی اندیشمند در شکل و قالب اندیشه‌های خود ظاهر می‌شود و بر اساس آن اندیشه‌ها به حرکت در می‌آید بنابراین با حفظ ایده‌هایی مبنی بر یک منظومه شمسی در قالب سیارات مختلف کهکشان را شکل داده و به حرکت در می‌آورد.

اندیشیدن به یک درخت بلوط با رشد کم درختی را تولید می‌کند که رشد آن قرن‌ها طول می‌کشد. به نظر می‌رسد که جوهره‌ی بی‌شکل بر اساس آن مسیر حرکتی که خود خلق کرده است دست به آفرینش می‌زند. اندیشیدن به یک درخت بلوط منجر به خلق آنی یک درخت کاملاً رشد یافته نمی‌شود اما نیروهای خلق کننده‌ی آن درخت را در راستای مسیر رشد از پیش تعیین شده‌ای به حرکت در می‌آورد. اندیشه‌ی هر قالبی که در جوهره‌ی اندیشمند وجود داشته باشد منجر به خلق آن قالب می‌شود اما این آفرینش عموماً در راستای آن مسیری از رشد که از پیش تعیین شده است رخ می‌دهد. القاء اندیشه‌ی خانه‌ای با ساختاری خاص بر جوهره‌ی بی‌شکل منجر به شکل‌گیری سریع آن خانه نخواهد شد اما انرژی‌های خلاق فعال تجاری را در مجراهایی شکل می‌دهد و به حرکت در می‌آورد که به ساخته شدن سریع‌تر آن خانه کمک کنند. حال اگر هیچ مجرای در جهت فعالیت انرژی‌های خلاق وجود نداشته باشد جوهره‌ی نخستین و اولیه مستقیماً خانه را خلق خواهد کرد بدون این که منتظر فرآیندهای کند موجود در جهان مادی شود.

اندیشه‌ی هر قالبی که بر جوهره‌ی اصیل القاء شود منجر به خلق آن قالب خواهد شد. انسان مرکز اندیشه است و می‌تواند اندیشه کند. هر شیئی پیش از این که در دستان انسان قرا گیرد باید در اندیشه‌ی او خلق شده باشد. انسان نمی‌تواند پیش از این که به چیزی فکر کند آن را خلق کند. تا به امروز انسان تمامی تلاش

خود را به امور یدی معطوف کرده است. او کار یدی را بر جهان قالب‌ها تحمیل کرده است و در صدد تغییر و تبدیل در قالب‌های موجود بوده است. او هیچ‌گاه این اندیشه را نداشته است که سعی کند قالب‌های جدیدی را با القاء اندیشه‌ی خود به جوهره‌ی بی‌شکل خلق کند و بیافریند. آن جایی که اندیشه‌ای از یک قالب در ذهن انسان قرار دارد به این معناست که انسان از قالب‌های موجود در طبیعت استفاده می‌کند تا تصویری را که در ذهن دارد به وجود آورد. تا این مرحله انسان تلاش بسیار اندکی در هماهنگی و همکاری با هوش‌کیهانی از خود نشان داده است و یا شاید اصلاً تلاشی نکرده است. این فرد تلاش اندکی در هماهنگی با اراده‌ی خداوند حاکم بر جهان از خود نشان داده است، او هیچ‌گاه به این نکته فکر نکرده است که می‌تواند همانند خداوند اقدام به خلق و آفرینش کند. انسان با دست‌کاری قالب‌های موجود، آن‌ها را دوباره شکل می‌دهد و اصلاح می‌کند. او هیچ‌گاه به این مسئله فکر نکرده است که می‌تواند با کمک جوهره‌ی بی‌شکل و با انتقال اندیشه‌های خود به آن جوهره اشیاء را خلق کند. من می‌توانم ثابت کنم که هر مرد و یا زنی قابلیت و توانایی انجام این کار را دارد و چگونگی آن را نشان خواهم داد. به عنوان نخستین گام سه فرضیه‌ی اساسی را مطرح می‌کنم؛

در ابتدا تأکید می‌کنم که یک ماهیت بی‌شکل اصیل و یا جوهره وجود دارد که منشأ پدیدآمدن همه‌ی اشیاء است. تمامی عناصر موجود نموده‌های متفاوتی از این عنصر می‌باشند. تمامی قالب‌های موجود در طبیعت آلی و معدنی اشکال گوناگونی از یک ماهیت هستند که خود جوهره‌ای اندیشمند است. اندیشه‌های موجود در این ماهیت، قالب‌ها و اشکال مرتبط با آن اندیشه‌ها را خلق می‌کند. انسان یک مرکز اندیشمند است و می‌تواند اندیشه را خلق کند. اگر انسان بتواند با استفاده از اندیشه‌های خود با جوهره‌ی اندیشمند ارتباط برقرار کند می‌تواند منشأ آفرینش باشد و به آنچه که می‌اندیشد شکل دهد.

بطور خلاصه:

جوهره‌ی اندیشمندی وجود دارد که منشأ خلق همه‌ی اشیاء می‌باشد که در حالت اصیل خود در سرتاسر کائنات پراکنده شده و نفوذ کرده است و فضاها را پر کرده است. القاء تصویر هر اندیشه‌ای بر این جوهره می‌تواند آن اندیشه را در واقعیت خلق کند. انسان می‌تواند اشیاء را در اندیشه‌ی خود تصور کند و با القاء این اندیشه‌ها به جوهره‌ی بی‌شکل آن اندیشه‌ها را بیافریند. ممکن است بپرسید آیا من می‌توانم بدون وارد شدن به جزئیات از این مسیر استفاده کنم؟ و من می‌گویم بله! انسان قدرت آن را دارد و می‌تواند که باعث شکل دهی به افکار شود و من با تجربه‌ام این را دریافته‌ام و به این دلیل است که قاطعانه پاسخ می‌دهم. اگر کسی با خواندن این کتاب و عمل به آنچه می‌گویم ثروتمند شود باز هم باعث تصدیق گفته من خواهد شد. اما اگر همه با انجام آن ثروتمند شوند چی؟

آن یک قانون خواهد بود، تا زمانی که کسی از آن استفاده کند و موفق نشود. هر نظریه تا زمانی که نقض شود، صحیح است. اما من مطمئن هستم که این نظریه نقض نمی‌شود و هر کس که هر آنچه این کتاب می‌گوید را دقیقاً انجام دهد به ثروت خواهد رسید. همیشه گفته‌ام که انسان‌ها با انجام کارها به شیوه‌ای خاص ثروتمند می‌شوند و برای این که بتوان کارها را به شیوه‌ای خاص انجام داد در ابتدا باید به شیوه‌ای خاص اندیشید. جوهره‌ی اندیشمندی وجود دارد که منشاء خلق همه‌ی اشیاء می‌باشد که در حالت اصیل خود در سرتاسر کائنات پراکنده شده و نفوذ کرده است و فضاها را پر کرده است. القاء تصویر هر اندیشه‌ای بر این جوهره می‌تواند آن اندیشه را در واقعیت خلق کند.

انسان می‌تواند اشیاء را در اندیشه‌ی خود تصور کند و با القاء این اندیشه‌ها به جوهره‌ی بی‌شکل آن اندیشه‌ها را بیافریند. اگر بخواهید کارها را به آن شیوه‌ای که می‌خواهید به انجام برسانید باید توانایی اندیشیدن به آن شیوه را در خود خلق کنید و این نخستین گام در جهت ثروت‌اندوزی است. تفکر به خواسته‌هایتان به معنای اندیشیدن به حقیقت راستین است بدون این که به ظواهر توجهی نشان دهید. هر انسانی به طور ذاتی و طبیعی می‌تواند به خواسته خود بیاندیشد. اما این که افکاری را در ذهن داشته باشیم که تحت تأثیر ظواهر امور به ما القاء نشده باشند مستلزم تلاش فراوان است. تفکر بر اساس ظواهر بسیار آسان است اما اندیشیدن به حقایق بدون توجه به ظواهر طاقت فرسا است و مستلزم صرف نیروی فراوانی است.

در جهان هیچ کاری سخت‌تر از این نیست که انسان بخواهد افکار همیشگی و مداوم خود را کنترل کند. این موضوع هنگامی که حقیقت با ظاهر در تضاد می‌باشد درست‌تر به نظر می‌رسد. هر ظاهر موجود در جهان آشکار این کشش را دارد که شکل متناظر خود را در ذهنی که آن را مشاهده می‌کند بوجود آورد. با حفظ اندیشه‌ی حقیقت می‌توان مانع از این رخداد شد. نگرستن به بیماری در ابتدا شکل آن را در ذهن ترسیم می‌کند و سپس در بدن به وجود می‌آید مگر اینکه شما اندیشه‌ی حقیقت مبنی بر عدم وجود بیماری را در ذهن خود حفظ کنید. بیماری یک شکل ظاهری است و سلامتی حقیقت محض است. نگرستن به ظاهر فقر اشکال متناظر با آن را در ذهن شما بوجود می‌آورد مگر این که شما بر این حقیقت پایدار بمانید که هیچ فقری وجود ندارد، تنها چیزی که هست فراوانی است. اندیشیدن به سلامتی آن هنگامی که در ظاهر بیماری شما را فرا گرفته است، اندیشیدن به ثروت زمانی که در دل ظاهری سرشار از فقر قرار دارید نیازمند قدرتی است که در صورت کسب این قدرت به یک ذهن برتر تبدیل خواهید شد. و می‌توانید سرنوشت را مغلوب خواسته‌ی خود کنید.

علم ثروتمند شدن

این توانایی را می‌توان کسب کرد. می‌توان بر این واقعیت اصیل پابرجا ماند که اصل وجودی هر شیء در ورای ظاهر آن قرار دارد و وجود یک جوهره‌ی اندیشمند که مسبب شکل‌گیری همه اشیاء است واقعیت دارد. حال باید این واقعیت را بپذیریم که هر اندیشه‌ای که در این جوهره وجود دارد تبدیل به قالبی خواهد شد و انسان می‌تواند اندیشه‌های خود را بر این جوهره القاء کند و آن‌ها را به قالب‌ها و اشیاء مرئی تبدیل کند. با درک این مطلب شک و تردید رخت بر می‌بندند زیرا که این آگاهی را داریم که می‌توانیم خواسته‌ی خود را خلق کنیم، می‌توانیم به خواسته‌ی خود برسیم و می‌توانیم آن چیزی بشویم می‌خواهیم. به عنوان نخستین گام در جهت ثروت‌اندوزی باید سه عبارتی که در این فصل به آن‌ها اشاره شده است را باور داشته باشید؛ برای تأکید بیش‌تر آن سه عبارت را تکرار می‌کنیم؛

جوهره‌اندیشمندی وجود دارد که منشاء خلق همه‌ی اشیاء می‌باشد که در حالت اصیل خود در سرتاسر کائنات پراکنده شده و نفوذ کرده است و فضاهای میان اشیاء مختلف را پر کرده است. القاء تصویر هر اندیشه‌ای بر جوهره می‌تواند آن اندیشه را در واقعیت خلق کند.

انسان می‌تواند اشیاء را در اندیشه‌ی خود تصور کند و با القاء این اندیشه‌ها به جوهره‌ی بی‌شکل آن اندیشه‌ها را بیافریند. باید تمامی برداشت‌های دیگر موجود از کائنات به جز این برداشت را به کناری گذاشته و بر این عقیده پایدار بمانید به‌طوری ملکه‌ی ذهن شما شود و به اندیشه‌ی روزمره و همیشگی شما بدل شود. این عبارات را بارها و بارها بخوانید. کلمه به کلمه‌ی آن‌ها را به‌خاطر بسپارید و بر آن‌ها تمرکز کنید تا این که به ایمانی راسخ برسید. با شک همانند گناهی نابخشودنی برخورد کنید و آن‌ها را از خود دور کنید و به مباحثی که در مخالفت با این عقیده مطرح می‌شوند گوش ندهید. در مراسم کلیساها و سخنرانی‌هایی که مفاهیم متضاد با این مفاهیم را آموزش می‌دهند شرکت نکنید. سردرگمی در ایمان و اعتقاداتان تمامی تلاش‌های شما را بی‌ثمر خواهد کرد. علت درستی مطالب را نپرسید و به چگونگی آن‌ها فکر نکنید فقط آن‌ها را به عنوان حقیقت محض بپذیرید. فرآیند ثروت‌اندوزی با یک ایمان مطلق و راسخ آغاز می‌شود.

فصل پنجم

افزایش حیات

خود را از رنج ابدی این عقیده خلاص کنید که الهه‌ای وجود دارد که اراده‌ی او باعث شده شما فقیر بمانید و یا این که با فقیر ماندن به آن الهه خدمت می‌کنید. جوهره‌ی هوشمند که کل (همه) می‌باشد و در همه چیز و در همه‌جا زندگی می‌کند در شما نیز زندگی می‌کند. آن جوهره‌ای زنده و هوشیار است. این جوهره‌ی زنده‌ی هشیار باید ماهیت و میل‌ذاتی هر موجود زنده‌ی هشیاری را داشته باشد تا بتواند حیات بیش‌تری را خلق کند. هر موجود زنده‌ای همواره در طلب گسترده‌تر کردن حیات خود است زیرا در عرصه‌ی حیات هر آنچه قابلیت حیات دارد باید به وجود آید و جوهره باید بتواند آن‌ها را به وجود آورد.

علم ثروتمند شدن

دانه‌ای که روی زمین می‌افتد فعال می‌شود و در فعالیت حیات بخش خود صدها دانه‌ی دیگر را تولید می‌کند هر موجود زنده‌ای با حیات بخشی بیشتر، استعدادهای خود را به عرصه‌ی ظهور می‌رساند و ابدی می‌شود. هر موجود زنده‌ای که بخواهد ابدی بماند باید حیات بخشی کند.

هوش برتر کیهانی نیز همین ضرورت را حس می‌کند. در هر اندیشه‌ی ما ضرورتی وجود دارد که به دنبال خلق اندیشه‌ی دیگری است، هوشیاری پیوسته در حال رشد و افزایش است. با فراگیری یک حقیقت به سوی فراگیری حقیقتی دیگر سوق داده می‌شویم. دانش پیوسته در حال رشد است. با شکوفایی هر استعداد، استعداد دیگری جهت شکوفاشدن به ذهن ما خطور می‌کند. ما در معرض ضرورتی به عنوان حیات بخشی قرار داریم، به دنبال تجلی یافتنی هستیم که ما را به سوی دانستن بیشتر، انجام کار بیشتر و بیشتر شدن سوق می‌دهد. برای دانستن بیشتر، انجام کار بیشتر و بیشتر شدن باید بیشتر داشته باشیم. باید منابعی را برای استفاده در اختیار داشته باشیم زیرا که فقط با استفاده از اشیاء است که می‌آموزیم، انجام می‌دهیم و می‌شویم. باید ثروتمند شویم تا بتوانیم زندگی پربارتری داشته باشیم.

میل به ثروت صرفاً ظرفیت داشتن یک حیات رو به رشد است که در طلب تجلی یافتن و به ظهور رسیدن است. هر میل تلاش یک احتمال به ظهور نرسیده است که می‌خواهد متجلی شود. نیرویی در درون شما وجود دارد که در طلب تجلی خود، آن میل را به وجود می‌آورد. آنچه باعث می‌شود شما بخواهید پول بیشتری را به دست آورید همانند همان قدرتی است که باعث رشد گیاه می‌شود و همان قدرت حیاتی است که در طلب تجلی کامل‌تر است. یک جوهره‌ی زنده باید در تمامی دوره‌ی حیات خود در معرض این قانون ذاتی حیات بخش قرار بگیرد تا تحت تأثیر میل به حیات بیشتر قرار داشته باشد و در نتیجه آفرینش اشیاء برای او ضرورت دارد. یک جوهره میل دارد در شما حیات بیشتری را تجربه کند، بنابراین از شما می‌خواهد تمامی آنچه که می‌توانید در اختیار داشته باشید را به کار بگیرید. خواست خدا بر این است که شما ثروتمند باشید. او می‌خواهد شما ثروتمند باشید زیرا هنگامی که شما اشیاء فراوانی را جهت استفاده در اختیار دارید بهتر می‌تواند خود را از طریق شما متجلی کند. با تسلط نامحدود شما بر امکانات موجود، خداوند می‌تواند حیات بیشتری را از خود بروز دهد.

کائنات می‌خواهد که شما به تمامی خواسته‌های خود برسید.
طبیعت دوست برنامه‌های شماست.
همه چیز طبیعتاً از آن شماست.

این ذهنیت را خود ایجاد کنید که این مطلب صحت دارد. با این حال ضرورت دارد که هدف شما با آن هدفی که در کل وجود دارد در هماهنگی کامل باشد. در جستجوی حیات واقعی باشید و خود را به ارضای نیازهای جسمی قانع نکنید. زندگی به فعلیت رسیدن تمامی توانایی‌های بالقوه است و انسان زمانی واقعاً زندگی می‌کند که تمامی بالقوه‌های جسمی، ذهنی و روحی خود را بدون افراط در هر کدام از آن‌ها و آن‌طور که لیاقت دارد به فعلیت رسانده باشد. ثروتمند شدن برای این نیست که در جهت ارضای امیال جسمی خود پرسه‌گری کنید. زیرا این زندگی صحیح و کامل نیست. به فعلیت رسیدن هر کدام از نیروهای بالقوه‌ی جسمی بخشی از حیات است. هر که سعی کند میل به تجلی سالم و طبیعی خواسته‌های جسمی را انکار کند حیات متکاملی را تجربه نخواهد کرد.

شما نمی‌خواهید صرفاً به خاطر لذت‌های ذهنی، کسب علم، ارضاء جاه‌طلبی و یا شهرت ثروتمند شوید. این‌ها همگی بخش‌های قابل قبولی از زندگی را در بر می‌گیرند اما فردی که صرفاً به خاطر لذت‌های عقلانی زندگی می‌کند یک حیاتی نسبی دارد و هرگز با تمام وجود ارضاء نخواهد شد. شما صرفاً برای خیر رساندن به دیگران، قربانی کردن خود برای بشریت، تجربه‌ی لذت بشر دوستی و از خودگذشتگی نیست که می‌خواهید ثروتمند شوید. این لذت‌های معنوی تنها بخشی از حیات هستند و شرافتمندانه‌تر و یا بهتر از دیگر لذت‌ها نمی‌باشند. شما می‌خواهید ثروتمند شوید تا بتوانید بخورید و بیاشامید و هنگام انجام این کارها شاد باشید، تا خود را در احاطه‌ی اشیاء زیبا قرار دهید، سرزمین‌های دوردست را ببینید، ذهن خود را تغذیه کنید و عقلانیت خود را رشد دهید، تا بتوانید انسان‌ها را دوست داشته باشید و کارهای نیکو انجام دهید و بتوانید نقش مناسبی را در کمک به یافتن حقیقت در جهان ایفا کنید.

البته به خاطر داشته باشید که نوع دوستی افراطی به اندازه‌ی خودپسندی افراطی غیر قابل قبول است و هر دو اشتباه هستند. خود را از این عقیده که خواست خدا بر این بوده که خود را فدای دیگران کنید و با این کار لطف او را شامل حال خود کنید رها کنید. خداوند هرگز چنین چیزی را نخواسته است. خواست خدا این است که تمام تلاش خود را برای کمک به خود و دیگران انجام دهید با این کار می‌توانید بهتر از هر راه دیگری به دیگران کمک کنید. صرفاً با ثروتمند شدن می‌توانید تمام تلاش خود را را برای کمک به دیگران انجام دهید و این سنجیده است که بهترین و اولین اندیشه‌ی شما در خدمت کسب ثروت باشد. به یاد داشته باشید که جوهره به خدمت به دیگران تمایل دارد و در جهت حیات بخشی بیش‌تر به همگان حرکت و رشد می‌کند و نمی‌توان از نیروی آن در جهت کم کردن نیروی حیات بخش در دیگران استفاده کرد زیرا که به طور مساوی در همه وجود دارد و در طلب ثروت و حیات است.

علم ثروتمند شدن

جوهره‌ی هوشمند اشیاء را برای شما به وجود می‌آورد اما به این صورت عمل نمی‌کند که اشیاء را از دیگران گرفته و به شما بدهد. باید خود را از شر اندیشه‌ی رقابتی خلاص کنید. شما باید در حال آفرینش باشید و برای به دست آوردن آنچه از قبل خلق شده است رقابت نکنید. نیازی نیست چیزی را از کسی بگیرید، نیازی نیست در تجارت‌های سنگین و پیچیده مشغول به کار شوید. لازم نیست تقلب کنید و یا از دیگران سوء استفاده کنید و نیازی نیست به افرادی که در استخدام شما هستند کمتر از حقشان بدهید. نیازی نیست در حسرت دارایی‌های دیگران باشید و با چشمان حسرت‌بار به آن‌ها نگاه کنید. هیچ فردی آن قدر ثروتمند نیست که شما نتوانید به اندازه‌ی او ثروت کسب کنید و می‌توان بدون محروم کردن افراد از دارایی‌هایشان همه چیز را در اختیار داشت. شما یک خالق هستید نه یک مبارز. شما می‌توانید هر آنچه را که می‌خواهید بدست آورید اما به روشی که وقتی آن‌را گرفتید همه افراد، دارا تر از آنچه که اکنون هستند، بشوند.

من شاهدیم که بسیاری افراد از روش‌های صحیح که گفته شد ثروتمند می‌شوند و جهانی گسترده را به دنیا اضافه می‌کنند. افرادی که خیلی ثروتمند هستند گاهی تمام توان خود را برای نقشه کشیدن و رقابت بکار می‌گیرند و بطور ناخود آگاه باعث می‌شوند که مسیر ماده متفکر را برای خود متوقف کنند. اما برخی به مسیر حرکت ماده متفکر در راهش و حرکت بزرگش برای عموم مردم خدمت می‌کنند با ساختن صنایع مختلف.

راکفلر، کارنگی، مورگان و..... بطور آگاه یا ناآگاه ارگان‌هایی را خلق کرده‌اند که باعث فعالیت سیستماتیک و ارگانیزه برای خلق مهارت هستند و ثروت و کار آن‌ها برای گسترده تر شدن زندگی همه بکار می‌رود. کم کم جمعیت کثیری با این دانایی آشنا می‌شوند و آن‌را در جهان پراکنده می‌کنند. مولتی میلیونرها مانند هیولاها ما قبل تاریخ هستند. آن‌ها کار اساسی را از یک پروسه مهارتی انجام می‌دهند. اما بسیاری از آن‌ها ثروتمند واقعی نیستند. یک گزارش از زندگی خصوصی برخی از آن‌ها نشان می‌دهد که مشکلات و معضلاتی بسی بیش از مردم فقیر دارند. ثروتمندانی که برنامه رقابتی را پایه‌ریزی می‌کنند هرگز پایدار و ابدی نخواهند بود. این نوع ثروت امروز مال شماست و فردا مال دیگری. بخاطر داشته باشید اگر بخواهید با یک روش علمی و حقیقی ثروتمند شوید باید خود را از ایده‌های رقابتی دور کنید شما هرگز نباید فکر کنید که محدودیتی وجود دارد.

هرگز نباید به لحظه‌ای فکر کنید که منابع محدود باشند. به محض آغاز این تفکر که پول در اختیار و تحت کنترل صاحبان بانک‌ها است و شما مجبور هستید قوانینی را تصویب کنید که جلوی این فرآیند را بگیرد، دقیقاً در آن لحظه قدرت خلاقیت شما از بین می‌رود و بدتر از آن این که ممکن است حرکت‌های خلاق را که به تازگی شروع شده‌اند متوقف کنید. بدانید که میلیون‌ها دلار طلای بی‌شمار در کوهستان

علم ثروتمند شدن

وجود دارند که هنوز کشف نشده‌اند. این را نیز بدانید که با فرض نبودن این طلاها جوهره‌ی اندیشمندی وجود دارد که قادر به تولید مقادیر بیش‌تری است تا نیاز شما را برآورده کند. بدانید پولی که می‌خواهید از راه می‌رسد حتی اگر لازم باشد هزاران نفر فردا برای کشف یک معدن طلائی جدید اعزام شوند هیچ‌گاه صرفاً به منابع آشکار چشم ندوزید و همواره ثروت‌های نامحدود در جوهره‌ی اندیشمند را در نظر بیاورید و بدانید آن‌ها با همان سرعتی که شما می‌توانید آن‌ها را دریافت کرده و بکار بندید به سوی شما سرازیر خواهند شد. هیچ‌کس با نظر به منابع آشکار نمی‌تواند شما را از حقتان محروم کند.

حتی یک لحظه به خودتان اجازه ندهید به این نکته فکر کنید که اگر عجله نکنید تمامی زمین‌های مناسب ساخت و ساز قبل از این که خانه‌ی خود را بسازید توسط دیگران اشغال می‌شوند. هرگز نگران کارخانجات و شرکت‌ها نباشید و به خاطر ترس از این که آن‌ها به زودی تمامی ثروت زمین را از آن خود خواهند کرد دل نگران نشوید. هرگز نترسید که به خواسته خود نمی‌رسید و یا آن‌را از دست می‌دهید چون فرد دیگری «از پشت به شما خنجر خواهد زد» و آن‌را از آن خود خواهد کرد، این اتفاق هرگز رخ نخواهد داد. در جستجوی کسب دارایی دیگران نباشید. منابع در جهان هستی نامحدود هستند و شما با کمک جوهره خواسته‌ی خود را خلق خواهید کرد. به عبارات زیر پایبند بمانید؛ جوهره‌ی اندیشمندی وجود دارد که منشاء خلق همه‌ی اشیاء می‌باشد که در حالت اصیل خود در سرتاسر کائنات پراکنده شده و نفوذ کرده است و فضاهاى میان اشیاء مختلف را پر کرده است. القاء تصویر هر اندیشه‌ای بر این جوهره می‌تواند آن اندیشه را در واقعیت خلق کند. انسان می‌تواند اشیاء را در اندیشه‌ی خود تصور کند و با القاء این اندیشه‌ها به جوهره‌ی بی‌شکل، آن اندیشه‌ها را بیافریند.

فصل ششم

چگونه ثروت به شما روی می‌آورد

وقتی می‌گویم نیازی نیست که شما در تجارت‌های سنگین و پیچیده وارد شوید منظورم این نیست که اصلاً نباید تجارت سنگینی را آغاز کنید و یا این که هیچ ضرورتی ندارد که افراد جامعه داد و ستد تجاری داشته‌باشند. منظور من این است که نیازی به داد و ستد غیر عادلانه ندارید. نباید در ازای هیچ، چیزی دریافت کنید بلکه باید به هر انسان بیش از آنچه از او دریافت می‌کنید پرداخت کنید. در بازار مالی نمی‌توانید به هر فرد بیش از ارزش پولی کالا چیزی پرداخت کنید. اما می‌توانید در ازای دریافت هر شی، بیش از ارزش مالی آن، به صورت ارزش عملی و یا معنوی پرداخت کنید. ارزش مالی کاغذ، جوهر و مواد اولیه‌ی به کار رفته در این کتاب شاید کمتر از آن بهایی باشد که برای آن می‌پردازید، با این حال اگر با استفاده از ایده‌های پیشنهادی این کتاب بتوانید هزاران دلار ثروت را وارد زندگی خود کنید فروشندگان

این کتاب سر شما را کلاهی نگذاشته‌اند. آن‌ها در مقابل ارزش مالی اندکی، ارزش عملی و معنوی بسیار بزرگ‌تری را به شما داده‌اند. فرض کنید تابلویی از یک هنرمند بزرگ را در دست دارم که در هر جامعه‌ی متمدنی هزاران دلار می‌ارزد. آن را به «بافین ری» می‌برم و با استفاده از هنر فروشندگی خود اسکیمویی را تشویق می‌کنم مقدار زیادی خز به ارزش ۵۰۰ دلار را در ازای آن تابلو به من بدهد. من سر او را کلاه گذاشته‌ام زیرا او از تابلو هیچ استفاده‌ای نمی‌کند. تابلو هیچ ارزش عملی برای او ندارد و چیزی را به زندگی او اضافه نمی‌کند. اما فرض کنید تفنگی به ارزش ۵۰ دلار را در ازای مقداری خز به آن اسکیمو بفروشم در این‌جا معامله عادلانه است. او از تفنگ استفاده می‌کند و با استفاده از آن خز و غذای بیش‌تری به دست می‌آورد. او با استفاده از تفنگ به زندگی خود از هر جهت رونق می‌بخشد و ثروتمند می‌شود.

هنگامی که از یک چارچوب رقابتی وارد یک چارچوب خلاق می‌شوید می‌توانید معاملات تجاری خود را با دقت انتخاب و انجام دهید. اگر کالایی را می‌فروشید که غنای بیش‌تری به زندگی خریداران وارد نمی‌کند فوراً این کار را متوقف کنید. هرگز در معامله سر کسی را کلاه نگذارید و اگر در تجارت کنونی خود این کار را انجام می‌دهید فوراً آن را متوقف کنید. به هر کسی چیزی بیشتر و به درد بخورتری در ازای آنچه به شما پرداخت می‌کند بدهید، آنگاه شما به زندگی و حیات در جهان با تجارت مفید خود چیزی را اضافه می‌کنید. اگر افرادی هستند که برای شما کار می‌کنند و می‌خواهید سود بیشتری از آنچه به آن‌ها می‌پردازید عایدتان شود باید تجارت خود را به شیوه‌ای طراحی کنید که اساس تکاملی داشته باشد بنابراین هر کارمندی علاقه‌مند است هر روز کمی بیشتر و بهتر برای شما کار کند. تجارت شما می‌تواند طوری برای کارمندان شما عمل کند که این کتاب برای شما عمل کرده است. تجارت شما می‌تواند نردبانی باشد که هر کارمند می‌تواند با تلاش خود از آن برای ثروتمندتر شدن استفاده کند و امکانات آن طوری باشد که اگر کسی تلاش کافی نکند، چیز بیشتری را دریافت نکند و آن دیگر تقصیر شما نیست، و در انتها شما ثروتمند خواهید شد زیرا از روش خلاق برای ثروت خود استفاده کرده‌اید و از ماده بی‌شکل که تمام محیط اطراف شما را احاطه کرده است بهره‌برده‌اید.

اما به این شکل نیست که از اتمسفر وجود چیزی یک دفعه شکل بپذیرد و جلوی چشمان شما ظاهر شود. مثلاً اگر یک چرخ خیاطی لازم دارید منظور من این نیست که شما باید اندیشه‌ی آن چرخ خیاطی را به جوهره‌ی اندیشمند القاء کنید و انتظار داشته باشید چرخ خیاطی بدون دخالت انسان در آن اتاقی که نشسته‌اید و یا در هر جای دیگر پدیدار شود. اگر یک چرخ خیاطی می‌خواهید تصویر ذهنی مثبتی از آن را با ایمان راسخ حفظ کنید. با ایمان به این که چرخ خیاطی در حال بوجود آمدن است و یا در مسیر رسیدن به شماست. پس از شکل‌گیری اندیشه، ایمان راسخ و پایداری خود را مبنی بر این که چرخ خیاطی در حال رسیدن به شماست حفظ کنید. افکار و سخنان شما درباره‌ی چرخ خیاطی باید به گونه‌ای باشد که از رسیدن به آن کاملاً مطمئن باشید و ادعای مالکیت آن را داشته باشید. قدرت هوش برتر کیهانی خواسته‌ی

شما را به دست شما می‌رساند و برای انجام این کار بر ذهن انسان‌ها عمل خواهد کرد. اگر در شهر «ماین» زندگی می‌کنید شاید فردی از تکزاس یا ژاپن به آنجا بیاید تا در معامله‌ای شرکت کند و در نتیجه‌ی آن معامله شما به خواسته‌ی خود برسید.

در این صورت به همان اندازه‌ای که شما به سود دل‌خواه خود می‌رسید آن تاجر نیز سود خواهد برد. لحظه‌ای فراموش نکنید که جوهره‌ی اندیشمند در همه‌جا و در همه‌ی اشیاء وجود دارد و با همه‌ی اشیاء ارتباط برقرار می‌کند و می‌تواند بر همه اشیاء تأثیر بگذارد. گرایش جوهره‌ی اندیشمند در جهت حیات غنی‌تر و زندگی بهتر منجر به خلق تمامی چرخ‌های خیاطی شده است و می‌تواند سبب خلق میلیون‌ها چرخ خیاطی دیگر نیز شود و این اتفاق هنگامی رخ می‌دهد که انسان با ایمان و انگیزه حرکت در مسیر صحیح را آغاز کرده و به شیوه‌ای خاص عمل کند. به طور قطع شما می‌توانید یک چرخ خیاطی یا هر شیء دیگری را که مایلید در منزل داشته باشید و از آن‌ها در جهت رشد و بهتر شدن زندگی خود و دیگران استفاده کنید. شما نباید در درخواست فراوانی تأمل و تردید داشته باشید. پیامبر خدا می‌فرماید: «خوشنودی پدر شما این است که پادشاهی را به شما عطا کند.»

جوهره‌ی اندیشمند خواهان حیات‌بخشی به هر شیء است که امکان حیات دارد و می‌خواهد که خواسته‌های شما را در راستای حیاتی غنی‌تر و پربارتر برآورده کند. اگر در ناخودآگاه خود بر این عقیده پایدار بمانید که گرایش شما در ثروت‌اندوزی یکی از خواسته‌های خداوند یکتاست که در طلب تجلی کامل خویش است ایمان شما شکست‌ناپذیر خواهد شد. یک‌بار پسر بچه‌ای را دیدم که پشت پیانو نشسته بود و بیهوده سعی می‌کرد با فشار دادن کلیدها موسیقی هماهنگی را بنوازد و می‌دیدم که به علت عدم توانایی‌اش در نواختن موسیقی حقیقی غصه می‌خورد و انگیزه‌ی خود را از دست داده است. از او علت غصه‌اش را پرسیدم. پاسخ داد: «موسیقی را در درونم احساس می‌کنم اما نمی‌توانم با دستانم آن را بنوازم.» موسیقی درون او اصرار داشت که متجلی شود. جوهره تمامی امکانات لازم خلق هر نوع حیاتی را در خود دارد. تمامی موسیقی‌های موجود در درون کودک در طلب تجلی یافتن بودند.

خداوند یا جوهره‌ی یکتا سعی می‌کند از طریق انسان حیات یابد، کارها را به انجام رساند و از اشیاء لذت ببرد. خداوند می‌فرماید: «دستانی می‌خواهم که بناهای شگفت‌انگیز بنا کنند، نواهای هماهنگ آسمانی بنوازند و تصاویر با شکوه ترسیم کنند. پاهایی می‌خواهم که اوامر مرا اجرا کنند، چشمانی که زیبایی مرا ببینند، زبان‌هایی که حقایق محکم را بیان کنند و نغمه‌های دل‌نواز را بسرایند.»

هر آنچه امکان وجود از طریق انسان را داشته‌باشد در طلب متجلی شدن است. خواست خدا بر این است که آن‌هایی که توانایی نواختن موسیقی دارند پیانو و دیگر آلات موسیقی را در اختیار داشته باشند و امکانات شکوفائی پربار استعدادهای خود را در دست داشته باشند. او می‌خواهد آن‌هایی که زیبایی را

درک می کنند با اشیاء زیبا احاطه شده باشند. او می خواهد جویندگان حقیقت فرصت سفر و مشاهده داشته باشند. او می خواهد آن هایی که زیبایی لباس را درک می کنند، خوب و زیبا لباس بپوشند و آن هایی که قدر غذای خوب را می دانند شاهانه غذا بخورند. خداوند همه ی خوبی ها را برای انسان می خواهد زیرا خود قدر همه ی آن ها را می داند و از آن ها لذت می برد این خداست که می خواهد بنوازد، بسراید و از زیبایی لذت ببرد. این اوست که حقیقت را در می یابد، لباس زیبا به تن دارد و غذای خوب می خورد. «زیرا خداست که با عقل نیرومند خود هم تصمیم و هم قدرت انجام آنچه که خشنودش می سازد، در شما پدید می آورد.»

گرایش به ثروت در وجود شما گرایشی نامحدود است که در طلب تجلی یافتن است همان طور که گرایش به نواختن موسیقی در آن پسر بچه در طلب متجلی شدن بود. بنابراین در درخواست فراوانی و نعمت تأمل و تردید نکنید. نقش شما این است که امیال خود را به زبان آورده و به خداوند عرضه کنید. درک این مطلب برای بسیاری از افراد دشوار است. آن ها این عقیده منسوخ که خشنودی خداوند در فقر و قربانی شدن انسان ها است را هم چنان در دل خود حفظ کرده اند. آن ها فقر را جزیی از طرح ضروری حیات و طبیعت می دانند و خیال می کنند که خداوند وظیفه ی خود را به اتمام رسانیده و تمامی هر آنچه را که می توانسته خلق کند آفریده است و این که اغلب انسان ها به علت عدم وجود امکانات کافی محکوم به زندگی در فقر می باشند. این افراد آن قدر در این اندیشه ی خطا غرق شده اند که از درخواست ثروت احساس شرمساری می کند و تلاش نمی کنند بیش از خواهشی فروتنانه و متواضعانه چیز دیگری طلب کنند تا بتوانند احساس راحتی کنند.

در این جا مثالی می زنم:

از دانشجویی خواسته شد که تصویر روشنی از تمایلات خود را در ذهن ترسیم و خلق کند تا اندیشه ی خلاق آن تصاویر را بر جوهره ی اندیشمند القاء کند. او مرد فقیری بود و در یک خانه اجاره ای زندگی می کرد و فقط به اندازه ای مخارج روزانه اش درآمد داشت. او نمی توانست این واقعیت را درک کند که همه ثروت های موجود در جهان را می تواند در اختیار داشته باشد. بنابراین پس از کمی فکر کردن تصمیم گرفت که عاقلانه تر این است که قالیچه ای نو برای کف بهترین اتاق خانه و یک بخاری ذغال سنگی برای گرم کردن خانه تقاضا کند. هنگامی که پس از پیروی کردن از دستورالعمل های کتاب ظرف چند ماه به خواسته های خود رسید فهمید که به اندازه ی کافی طلب نکرده است. پس از آن خانه ی خود را به دقت جستجو کرد و تمامی تغییرات و تجدید بنای ممکن را برنامه ریزی کرد. در ذهن خود پنجره ای را در گوشه ای و اتاق جدیدی را در مکان دیگری تصویر کرد تا این که تصویر خانه ی ایده آل او کامل شد. سپس برای اثاثیه ی آن خانه نیز برنامه ریزی کرد. او آن تصویر کامل را در ذهن خود حفظ کرد و زندگی به

شیوه‌های خاص را در راستای خواسته‌ی خود آغاز کرد. اکنون او مالک آن خانه است و بر اساس تصاویر ذهنی جدیدی آن را بازسازی می‌کند و با ایمانی راسخ تر در صدد دستیابی به اشیاء بیش‌تری است. او بر حسب ایمان خود به دست آورده است. این مطلب درباره‌ی شما و هر کس دیگری نیز صدق می‌کند.

فصل هفتم

شکرگذاری

با توجه به مثال‌های مطرح شده در فصل قبل خواننده‌ی کتاب به این باور می‌رسد که نخستین گام در جهت ثروت‌اندوزی این است که خواسته‌های خود را به جوهره بی‌شکل عرضه کند که کاملاً درست است. در ادامه در می‌یابد که در صورتی که بخواهد این کار را درست انجام دهد باید به شیوه‌ای هماهنگ با جوهره بی‌شکل ارتباط برقرار کند. وجود این ارتباط هماهنگ و اطمینان بخش از چنان اهمیتی برخوردار است که بخشی از صفحات این مبحث به آن اختصاص داده شده است. در اینجا دستورالعمل‌هایی به شما داده خواهد شد که در صورت پیروی صحیح از آن‌ها به هماهنگی و وحدت کامل ذهنی با خداوند خواهید رسید. تمامی این فرآیند اصلاح و هماهنگ سازی ذهنی را می‌توان در یک کلمه خلاصه کرد؛ شکرگذاری.

تا این‌جا به این باور رسیده‌اید که همه‌ی اشیاء از یک جوهره‌ی هوشمند خلق می‌شوند و اطمینان دارید که این جوهره تمامی خواسته‌های شما را در اختیارتان قرار خواهد داد. پس با احساسی عمیق و درونی از طریق شکرگذاری با آن جوهره ارتباط برقرار کنید. بسیاری از مردم با این که تمامی کارهای خود را به درستی انجام می‌دهند فقیر باقی می‌مانند. فقر بسیاری از آن‌ها به علت کمبود حس شکرگذاری است زیرا که در مسیر حیات راه دیگری را دنبال می‌کنند. آن‌ها پس از دریافت هر هدیه از خداوند خالق با عدم شکرگذاری آن سیم رابطی که واسطه‌ی ارتباط آن‌ها با خداوند است را قطع می‌کنند. فهم این مطلب بسیار ساده است که با نزدیک‌تر شدن بیش‌تر به منبع ثروت می‌توان ثروت بیش‌تری را جذب و دریافت کرد. آن روحی که همواره سپاسگزار و شاکر است در جوار لطف الهی قرار دارد. روح ناسپاس به درگاه الهی راهی ندارد.

آن هنگام که اتفاقات خوبی برای مان رخ می‌دهد اگر با سپاسگزاری بیش‌تر ذهن خود را بر هوش برتر کیهانی متمرکز کنیم خوبی‌های بیش‌تری را دریافت خواهیم کرد و خوبی‌ها با سرعت بیش‌تری به سوی ما روان خواهند شد. علت آن این است که نگرش ذهنی شکرگزارانه ذهن را در جوار آن منبعی قرار می‌دهد که

علم ثروتمند شدن

منشاء تمامی برکات است. شاید این عقیده که با شکرگزاری، تمام ذهن شما در هماهنگی بیش‌تر با انرژی کائنات قرار می‌گیرد برای شما جدید به نظر آید اما اگر با دقت به آن بنگرید خواهید دید که این عقیده کاملاً درست است. خوبی‌هایی که در زندگی به شما روی آورده‌اند در راستای اطاعت و فرمان‌برداری از قوانین خاصی به شما رسیده‌اند که شما را در هماهنگی نزدیک با اندیشه‌ی خلاق قرار می‌دهند و از سقوط در اندیشه‌ی رقابتی حفظ می‌کنند. شکرگزاری به خودی خود شما را به جلو می‌کشاند و از سقوط در این اشتباه که منابع محدود می‌باشند دور می‌کند. افتادن در ورطه‌ی این اشتباه سمی برای آرزوهای شماست.

قانونی به نام قانون شکرگزاری وجود دارد و اگر در طلب رسیدن به نتایج دل‌خواه خود هستید ضرورت دارد این قانون را کاملاً درک کنید. قانون شکرگزاری یک اصل طبیعی و بر مبنای قانون عمل و عکس‌العمل است؛ هر عملی را عکس‌العملی است مساوی با آن، اما در جهت عکس. آن نگرش شاکرانه ذهن شما در ستایش خداوند در واقع آزادسازی و رهاکردن نیرویی می‌باشد که امکان ندارد به مخاطب خود نرسد و مطمئناً عکس‌العمل آن حرکتی آنی در جهت شما خواهد بود و این عبارت واقعیتی روانشناسانه است. اگر شما با قدرت و پیوسته از منبع آفرینش تشکر کنید عکس‌العمل جوهره بی‌شکل نیز قدرتمند و پیوسته خواهد بود و در جهت برآورده‌شدن خواسته‌های شما قرار می‌گیرد. به نگرش شاکرانه‌ی پیامبر خدا توجه کنید. به نظر می‌رسد که پیامبر خدا همواره این عبارت را تکرار می‌کرده‌اند که «خداوندا تو را شکر می‌کنم که مرا شنیدی». بدون شکرگزاری نمی‌توانید قدرت بیش‌تری را بکار گیرید. زیرا این شکرگزاری است که شما را به منبع قدرت نزدیک می‌کند. شکرگذاری صرفاً در جهت آوردن فراوانی به زندگی نمی‌باشد، بلکه بدون سپاسگزاری اندیشه‌های ناراحت‌کننده‌ای درباره‌ی آن چیزهایی که در اختیار دارید نیز در ذهن شما شکل خواهد گرفت و آن‌ها را نیز از دست خواهید داد. آن لحظه‌ای که اجازه دهید ذهن شما بر نارضایتی از شرایط کنونی متمرکز شود فرآیند از دست دادن آغاز خواهد شد. هنگامی که توجه خود را بر مسائل عمومی و روزمره، فقر، بدذاتی و بدبینی متمرکز می‌کنید ذهن شما این قالب‌ها را به خود می‌گیرد و شما این قالب‌ها و یا تصاویر ذهنی را به جوهره بی‌شکل منتقل خواهید کرد و همان‌ها به شما روی خواهند آورد. در صورتی که اجازه دهید ذهن شما بر مسائل کم‌ارزش تمرکز کند خودتان کم‌ارزش خواهید شد و امور کم‌ارزش شما را احاطه خواهند کرد. به کلام دیگر با تمرکز بر بهترین‌ها، بهترین‌ها شما را در بر می‌گیرند و شما بهترین می‌شوید. نیروی خلاقه‌ی درون، ما را در قالب آن تصاویری قرار می‌دهد که بر آن‌ها متمرکز شده‌ایم. ما جوهره‌ای اندیشمند هستیم و جوهره‌ی اندیشمند همیشه در قالب اندیشه‌های ما شکل می‌پذیرد.

ذهن شکرگزار همواره بر بهترین‌ها متمرکز است بنابراین تمایل دارد که بهترین شود، قالب یا شخصیتی را به خود می‌گیرد که بهترین است و در نتیجه بهترین را دریافت می‌کند. ایمان زائیده شکرگزاری است.

ذهن شاکر همواره انتظار خوبی را می‌کشد و این انتظار به ایمان تبدیل می‌شود. جهان در عکس‌العمل نسبت به شکرگزاری ذهنی، ایمان را به وجود می‌آورد و با انتشار هر موج شکرگزارانه‌ی دیگر، ایمان بیش‌تر می‌شود. فردی که فاقد هرگونه احساس شکرگزاری است نمی‌تواند به مدت طولانی ایمان فعالی را در درون خود حفظ کند. برای این‌که بتوان با استفاده از روشی خلاق ثروتمند شد باید ایمانی فعال داشت که جزئیات آن در فصول بعد خواهد آمد. لازم است این عادت را در خود به وجود بیاوریم که در ازای هر نعمتی شکرگزار باشیم و این شکرگزاری پیوسته و همیشگی باشد.

از آنجائی که همه اشیاء در خدمت رشد انسان قرار دارند باید در ازای داشتن هر شیء هر چند کوچک و ناچیز شاکر و سپاسگزار باشیم.

وقت خود را با فکرکردن به اشکالات و فعالیت‌های اشتباه ثروتمندان قدرتمند هدر ندهید. سازمان‌هایی که آن‌ها در جهان پدید آورده‌اند فرصت‌ها را در اختیار شما قرار داده است و تمام چیزهایی که می‌توانید به دست آورید از کانال آن سازمان‌ها است. خداوند صبورانه زمان زیادی را صرف رساندن ما به جایگاهی از صنعت و سیستم دولتی که در آن هستیم کرده است. او کار خود را به خوبی انجام داده است و مطمئناً به محض این‌که مصلحت ببیند دیکتاتورها، صاحبان صنایع و سرمایه‌داران را از بین خواهد برد. به خاطر داشته باشید که در شرایط کنونی همه شرایط مطلوب هستند و همه آن‌ها مسیرهای ثروت را برای شما هموار می‌سازند پس به خاطر وجود همه‌ی آن‌ها سپاسگزار و شاکر باشید. این شکرگزاری شما را در هماهنگی با آن بخش مثبت و خوب هر کدام از موارد فوق قرار می‌دهد و فقط خوبی‌های آن‌ها را به سوی شما جذب می‌کند.

فصل هشتم

تفکر به شیوه‌ای خاص

به فصل ۶ بازگردید و مجدداً داستان مردی که یک تصویر ذهنی از خانه‌اش بوجود آورده بود را مطالعه کنید تا با اولین گام در جهت ثروت‌اندوزی آشنا شوید. تصویر ذهنی شما از خواسته‌هایتان باید مشخص و دقیق باشد. بدون شکل دادن دقیق یک اندیشه در ذهن نمی‌توانید آن اندیشه را منتقل کنید. در صورتی که بخواهید تصویری را به کائنات منتقل کنید باید آن تصویر را در ذهن خود خلق کرده باشید. بسیاری از افراد نمی‌توانند خواسته‌های خود را به جوهره‌ی اندیشمند القاء کنند زیرا تصویری مبهم و نامفهوم از خواسته‌ی خود، کارهایی که می‌خواهند انجام دهند و یا آن چیزی که می‌خواهند بشوند دارند. گرایش کلی به ثروتمند شدن برای به انجام رساندن کارهای خوب کافی نیست. همه این گرایش را دارند. آرزوی سفر رفتن، دیدن اشیاء مختلف و عمر طولانی‌تر و... کافی نیست. همه مردم این تمایلات را دارند.

اگر بخواهید پیامی را از طریق تلگراف به دوستی ارسال کنید حروف الفبا را به ترتیب نمی‌فرستید و از او بخواهید پیام را خودش بنویسد و یا این‌که به طور تصادفی لغات را از فرهنگ لغت خارج نمی‌کنید و برای او ارسال کنید. شما جمله‌ای معنادار و منسجم را برای او می‌فرستید، هنگامی که می‌خواهید افکار خود را به جوهری اندیشمند القاء کنید در نظر داشته باشید که باید از جملات منسجم استفاده کنید. باید خواسته‌ی خود را بدانید و دقیق باشید. شما با فرستادن تمایلات شکل نگرفته و خواسته‌های مبهم هیچ‌گاه ثروتمند نخواهید شد و قدرتِ خلاق را به حرکت وا نخواهید داشت. همان‌طور که آن مرد تمایلاتش را از ذهن گذرانید خواسته‌هایتان را مشخص کنید. فقط آن چیزی را ببینید که خواهان آن هستید خواسته‌تان همواره جلوی چشمان شما قرار داشته باشد. تصویر ذهنی روشنی از خواسته‌تان را آن‌طور که می‌خواهید بوجود آورید. پیوسته این تصویر را در ذهن خود حفظ کنید. مانند ملوانی که هنگام هدایت کشتی تصویر لنگرگاه را در ذهن خود حفظ کند شما نیز باید همواره آن تصویر را ببینید و لحظه‌ای تمرکز خود را از دست ندهید همان‌طور که سکاندار کشتی لحظه‌ای تمرکز خود را از سکان و قطب‌نما به چیز دیگری معطوف نمی‌کند.

ضرورتی ندارد که این تمرین تمرکز در زمان خاصی انجام شود. نیازی به روزه‌ی سکوت نیست، لازم نیست شعبده‌بازی کنید. این کارها همگی خوب و نتیجه‌بخش هستند اما تمام آنچه شما به آن نیاز دارید این است که خواسته‌ی خود را آن‌قدر قدرتمند و با تمام وجود بخواهید که تصویر آن همواره در ذهن شما باشد. تا جایی که می‌توانید از اوقات فراغت خود در جهت یادآوری تصویر ذهنی استفاده کنید. زمان و تلاش زیادی برای تمرکز بر آن خواسته‌ای که واقعی باشد لازم نیست. هنگام تمرکز بر تصویر نگران زمان و اندازه‌ی تلاش خود نباشید. هنگامی که واقعاً بخواهید ثروتمند شوید این گرایش آن‌چنان قدرتمند خواهد بود که تمامی افکار شما را در یک جهت قرار می‌دهد. همان‌طور که در کشتی قطب مغناطیستی، عقربه‌ی قطب‌نما را در جهت مناسب قرار می‌دهد و این خواسته قدرتمند شما آن‌قدر ارزشمند خواهد بود که شما جهت رسیدن به آن‌ها بخواهید تمامی دستورالعمل‌های این کتاب را به خوبی پیاده کنید. روش‌های ارائه شده در این کتاب برای کسانی مناسب است که گرایش به ثروت در آن‌ها آن‌چنان قدرتمند است که بتوانند بر سستی ذهنی و راحت‌طلبی خود غلبه کرده و این روش‌ها را در عمل پیاده کنند.

هر چه تصویر ذهنی شما واضح‌تر و پر جزئیات‌تر باشد و تمرکز بیشتری بر آن داشته باشید، و تمامی جزئیات آن‌را با شادی و به روشنی مشخص کرده‌باشید، گرایش و تمایلات شما قدرتمندتر خواهند بود و هر چه این گرایش قدرتمندتر باشد تصویر خواسته آسان‌تر در ذهن شما تثبیت می‌شود. البته مسئله‌ی مهم دیگری جدای از دیدن واضح و روشن جزئیات خواسته وجود دارد و آن این است که تصویرسازی صرف از شما فقط یک رؤیای پرداز می‌سازد و قدرت اندکی در به واقعیت رساندن آن تصاویر خواهد داشت. در ورای هر تصویر واضح باید هدفی قرار داشته باشد که آن تصویر را معنادار کند و آن‌را به ظهور برساند. در

ورای این هدف ایمانی راسخ و استوار مبنی بر این که آن خواسته در اصل متعلق به شماست، در دستان شماست و فقط باید اندک زمان بگذرد تا به ظهور برسد و آماده شود لازم است. از لحاظ ذهنی در یک منزل جدید زندگی کنید پیش از این که به وجود آید. در قلمرو ذهنی لحظه‌ای لذت کامل داشتن خواسته‌ی خود را درک و احساس کنید. پیامبر خدا می‌فرماید: «باور من این است که هر آنچه را که در دعا می‌طلبید می‌یابید و از آن برخوردار خواهید شد.» خواسته‌های خود را طوری در نظر آورید که گویی همواره در اطراف شما قرار دارند و خود را در حال استفاده و داشتن آن‌ها تصور کنید و در تصورات خود همان‌طور که در واقعیت به طور ملموس از آن‌ها استفاده می‌کنید، استفاده کنید. تا آشکار و پرجزئیات شدن تصویر ذهنی به تصویرسازی خود ادامه دهید سپس نگرش ذهنی داشتن و مالکیت هر آنچه در تصویر وجود دارد را خلق کنید. مالکیت را ذهناً از آن خود بدانید و ایمان راسخ داشته باشید که آن اشیاء واقعاً متعلق به شما هستند. این مالکیت ذهنی را تقویت کنید و حتی لحظه‌ای در ایمان راسخ خود سست نشوید.

مطالب مربوط به شکرگزاری که در فصل پیش مطرح شده‌اند را در خاطر داشته‌باشید و همیشه به خاطر داشتن آن اشیاء سپاسگزار باشید زیرا انتظار دارید که به موقع آن‌ها را دریافت خواهید کرد. فردی که بتواند بابت داشتن آنچه در ذهن خود به تصویر کشیده خالصانه از خدا تشکر کند، ایمان واقعی دارد و ثروتمند خواهد شد. او قادر به خلق و آفرینش خواسته‌ی خویش است. برای خواسته‌ی خود دعا کنید اما لازم نیست هر روز خواسته‌ی خود را از خدا بطلبید. پیامبر خدا به شاگردان خود می‌فرماید: «همچنین، هنگام دعا، عباراتی تو خالی تکرار نکنید، آن‌گونه که بت‌پرستان می‌کنند، زیرا می‌پندارند به سبب زیاده‌گفتن، دعای‌شان مستجاب می‌شود پس مانند ایشان مباشید زیرا پدر شما پیش از آن که از او درخواست کنید نیازهای شما را می‌داند»

نقش شما این است که تمایل به حیات کامل‌تر را در خود به طرز هوشمندانه‌ای شکل دهید و این خواسته را به صورت یک کل منسجم در آورید. سپس این گرایش کامل و جامع را به جوهره‌ی بی‌شکل القاء کنید. جوهره این قدرت را دارد که خواسته شما را برآورده کند و این کار را خواهد کرد. شما نمی‌توانید این تأثیر را با تکرار خواسته خود آن هم به طور خلاصه به جوهره القاء کنید بلکه این کار را با تصاویر ذهنی هدف‌مند و قدرت‌مند انجام می‌دهید در حالی که ایمان دارید که حتماً به خواسته‌ی خود می‌رسید. برآورده شدن دعا در واقع پاسخ به ایمان کلامی شما نیست بلکه در جواب ایمان به همراه عمل است. شما نمی‌توانید با اختصاص یک روز خاص به عبادت خواسته‌های خود را از خدا بطلبید و به خواسته‌هایتان برسید و در روزهای باقیمانده خدا را فراموش کنید. نمی‌توانید با اختصاص دادن ساعاتی از روز به دعا در مکانی خلوت خدا را تحت تأثیر قرار داده و در دیگر ساعات روز اصلاً به آن‌ها فکر نکنید و دوباره در ساعات دعا آن‌ها را در ذهن خود مرور و یادآوری کنید.

علم ثروتمند شدن

دعای کلامی بسیار خوب است و تأثیرات خود را مخصوصاً در جهت پایدارکردن ایمان و تصویر ذهنی واضح‌تر نشان داده است. اما این درخواست کلامی شما نیست که شما را به خواسته‌تان می‌رساند. ثروتمند شدن نیازی به ساعات طولانی و شیرین دعا ندارد. شما باید به طور پیوسته و همیشگی دعا کنید به این صورت که همواره بر تصویر ذهنی خود و به صورتی هدف‌مند پایدار بمانید و همواره آن تصویر را در هر حالی در ذهن خود داشته باشید تا این که در قالب‌های مادی شکل بگیرد. فقط ایمان رسیدن به خواسته‌هایتان را در خود حفظ کنید. «باور داشته باشید که به آنچه طلبیده‌اید می‌رسید»

پس از مشخص کردن دقیق تصویر ذهنی وارد مرحله دریافت می‌شوید. پس از شکل‌دهی آن تصویر بهتر است یک عبارت کلامی تأکیدی را در قالب دعای خالصانه بوجود آورید و خداوند را مخاطب قرار دهید. از آن لحظه به بعد ذهناً این باور را داشته‌باشید که خواسته خود را دریافت کرده‌اید. در یک خانه‌ی جدید زندگی کنید، لباس‌های زیبا بپوشید، اتومبیل خود را برانید، به مسافرت بروید و با اطمینان کامل برای مسافرت‌های بیشتر برنامه‌ریزی کنید. درباره‌ی خواسته‌ی خود طوری صحبت کنید که گویی اکنون و در واقعیت از آن شماست. فضای اطراف و شرایط مالی خود را همان‌طور که می‌خواهید باشد تصور کنید و همواره در آن فضای خیالی زندگی کنید. البته این نکته را در نظر داشته‌باشید که این کار صرفاً یک رؤیایپردازی و یا خیال‌بافی نباشد. ایمان داشته‌باشید که تفاوت میان یک دانشمند و یک رؤیایپرداز به دلیل وجود این هدف و ایمان است. با فراگیری این واقعیت به مرحله‌ای وارد می‌شویم که شما باید استفاده درست از قدرت اراده را نیز فرا بگیرید.

فصل نهم

چگونه اراده‌ی خود را بکار بگیریم

برای ثروتمند شدن به این روش علمی لازم نیست که اراده‌ی خود را بر چیزی به جز درون خود اعمال کنیم. در هر صورت شما حق ندارید این کار را انجام دهید. نباید اراده و خواست خود را بر زنان و مردان دیگر تحمیل کنید تا به خواسته‌هایتان برسید. استفاده از قدرت ذهن در مجبورکردن دیگران به انجام کاری به‌اندازه‌ی استفاده از قدرت جسمی در این راستا اشتباه و نابجاست. در صورتی که اجبار افراد به انجام کارهایی بر خلاف میلشان با استفاده از قدرت جسمی آن‌ها را تا سطح برده تنزل می‌دهد انجام این کار با استفاده از ابزار ذهنی نیز همان نتیجه را دارد. تنها تفاوت در روش‌هاست.

اگر گرفتن اموال مردم با نیروی جسمی دزدی است تملک اشیاء با استفاده از قدرت فکر نیز دزدی است. تنها تفاوت در اصول اعمال شده است. شما حق ندارید اراده‌ی خود را به دیگران تحمیل کنید حتی اگر به نفع آن‌ها باشد زیرا شما صلاح فرد را نمی‌دانید. علم ثروت اندوزی مستلزم اعمال قدرت و یا زور بر انسان‌های دیگر نمی‌باشد.

هیچ ضرورتی ندارد این کار را انجام دهید. در حقیقت هرگونه تلاش در استفاده‌ی نابه‌جا از قدرت اراده منجر به شکست شما در رسیدن به هدفتان می‌شود. نیازی نیست که اراده‌ی خود را بر اشیاء تحمیل کنید تا به سوی شما حرکت کنند. این اجبار به این معناست که بخواهید خداوند را وادار به انجام کاری کنید که قطعاً احمقانه، بی‌فایده و غیرقابل قبول است. نمی‌توانید خداوند را مجبور کنید که خوبی‌ها را در اختیار شما قرار دهد. عدم توانایی شما در این کار به اندازه‌ای عدم توانایی شما در استفاده از قدرت اراده‌ی خود برای طلوع خورشید است. از قدرت اراده‌ی خود نمی‌توانید برای شکست دادن الهه‌ی شیطانی و نامهربان استفاده کنید. نمی‌توانید اراده کنید که نیروهای طغیان‌گر و سرکش، خواسته‌های شما را برآورده کنند. جوهره با شما دوست است و بی‌صبرانه حتی بیش‌تر از شما تمایل دارد که خواسته‌ی شما را برآورده کند.

برای ثروت اندوزی فقط اراده‌ی خود را بر شخص خودتان اعمال کنید.

وقتی چگونگی درست فکرکردن و درست عمل کردن را بدانید می‌توانید از قدرت اراده‌ی خود در جهت تفکر و عمل به شیوه‌ی درست استفاده کنید. این روش استفاده‌ی مشروع از اراده در راه رسیدن به خواسته است. از قوه‌ی اراده‌ی خود در جهت ماندن در مسیر صحیح استفاده کنید و آن‌را در جهت تفکر و اقدام به شیوه‌ای خاص بکار بگیرید. سعی نکنید اراده و افکار و ذهنیت‌های خود را به گونه‌ای القاء کنید که بر افراد و اشیاء، اجباری تحمیل شود. ذهن خود را در جایگاه مناسب آن قرار دهید با این کار عملکرد ذهن شما بسیار بهتر است. در جهت شکل‌دهی تصویر ذهنی خواسته‌هایتان از ذهن خود استفاده کنید و آن تصویر ذهنی را با ایمان و به طور هدف‌مند در ذهن خود حفظ کرده و از اراده‌ی خود در جهت حفظ ذهن خود در مسیر صحیح استفاده کنید. هر چه هدف و ایمان شما پا برجاستر و مستحکم‌تر باشد سریع‌تر ثروتمند خواهید شد زیرا همواره تأثیر مثبتی را بر جوهره القاء خواهید کرد و تأثیرات منفی بیرونی، آن القاء مثبت را خنثی نخواهد کرد و عقب نمی‌زند.

تصویر تمایلات شما که با ایمان و هدف‌مندی در ذهن شما تثبیت شده باشند توسط جوهره‌ی بی‌شکل دریافت شده و در فواصل دور و در سر تا سر کائنات منتشر خواهد شد و این تمام آن چیزی است که از آن مطمئنم. به محض انتشار این القاءات ذهنی همه اشیاء در جهت به ظهور رسیدن خواسته‌ی شما

حرکت خود را آغاز خواهند کرد. همه موجودات زنده، غیر زنده و آنهایی که هنوز خلق نشده‌اند در جهت برآوردن خواسته‌هایتان گام برمی‌دارند، تمامی نیروهای کائنات در آن جهت قرار می‌گیرد و تمامی اشیاء به سوی شما حرکت می‌کنند، ذهن افراد دیگر در جهتی قرار می‌گیرد که امکانات لازم در رسیدن شما به خواسته‌هایتان را در اختیارتان قرار دهد و انسان‌های دیگر به طور ناخودآگاه به شما کمک می‌کنند تا به خواسته‌ی خود برسید. می‌توانید با القاء تفکری منفی به جوهره‌ی بی‌شکل این مطلب را آزمایش کنید، به همان اندازه که ایمان و هدف‌مندی، شما را به خواسته‌هایتان نزدیک می‌کند، شک و بی‌ایمانی نیز شما را از خواسته‌هایتان دور می‌کند.

اغلب افرادی که سعی می‌کنند با استفاده از قدرت فکر ثروتمند شوند با عدم درک این واقعیت شکست می‌خورند. هر ساعت و لحظه‌ای که صرف شک و ترس می‌کنید، هر ساعتی که به نگرانی می‌گذرانید و هر ساعتی که روح شما در تسخیر بی‌ایمانی است جریانی را که در کل قلمرو جوهره‌ی هوشمند به سوی شما روان شده است از خود دور می‌کنید. این وعده‌ها برای کسانی برآورده می‌شوند که اعتقاد داشته باشند تمامی قدرت و اختیار در جهان از آن خودشان است. پیامبر خدا اعتقاد بسیار عمیقی داشت و شدیداً بر اعتقادات خود استوار بود و علت آن نیز روشن است. اعتقاد کامل و صددرصد اهمیت دارد زیرا شما را وادار به محافظت از افکارتان می‌کند. اعتقادات شما را مشاهدات و افکار شما شکل می‌دهند بنابراین کنترل نقطه‌ی توجه و هدایت آن نقطه توجه، اهمیت دارد. در این جا ست که از قدرت اراده استفاده می‌کنیم زیرا با قدرت اراده است که تصمیم می‌گیریم که توجه خود را به چه چیزی معطوف کنیم.

اگر می‌خواهید ثروتمند شوید نباید فقر را بررسی کنید. اشیاء با تفکر درباره‌ی متضادشان شکل نمی‌گیرند. هیچ‌گاه با مطالعه و تفکر درباره‌ی بیماری به سلامتی نمی‌رسید. درستکاری را با مطالعه گناه و تفکر به گناه به دست نخواهید آورد. هیچ‌گاه با مطالعه و تفکر درباره‌ی فقر ثروتمند نمی‌شوید. پزشکی به عنوان علم مطالعه‌ی بیماری‌ها، بیماری‌ها را افزایش داده است. مذهب به عنوان علم بررسی گناه، گناهکاری را رواج داده است. علم اقتصاد با بررسی فقر جهان را سرشار از زبونی و فقر کرده است و خواهد کرد. از فقر سخن نگوئید، آن را موشکافی نکنید، نگران آن نباشید و به علل آن توجه‌ای نشان ندهید. به شما هیچ ربطی ندارد. آنچه که به شما مربوط است درمان است. فقر و هر آنچه که به آن بستگی دارد را رها کرده و فقط موفق شوید. ثروتمند شوید، بهترین راه کمک به فقرا ثروت‌اندوزی است. با ذهنی سرشار از تصاویر فقر نمی‌توانید تصویر ذهنی ثروت را حفظ کنید. کتاب‌ها، مجلات و روزنامه‌هایی که اخبار فقر و بیچارگی می‌نویسند را مطالعه نکنید.

با دانستن این مطالب هیچ کمکی به فقرا نخواهید کرد. داشتن دانشی فراوان از علل و عوامل فقر به فقرزدایی کمکی نخواهد کرد. حفظ تصویر فقر در ذهن، آن را ریشه کن نخواهد کرد، حفظ تصاویر ثروت دشمن فقر است. با منع ذهن از داشتن تصاویر فقر و بدبختی مانع از ماندن فقرا در بدبختی می‌شوید. با

علم ثروتمند شدن

افزایش تعداد ثروتمندانی که به فقر می‌اندیشند از شر فقر خلاص نخواهید شد، با افزایش تعداد فقیرانی که با ایمان و هدفمندی به دنبال ثروتاندوزی هستند فقر ریشه‌کن خواهد شد. فقرا به خیریه نیازی ندارند، آن‌ها انگیزه می‌خواهند، خیریه به آن‌ها قرصی نان می‌دهد و آن‌ها را در بدبختی نگه می‌دارد و یا این‌که باعث می‌شود یکی دوساعت همه سختی‌ها را فراموش کنند. اما انگیزش بخشی باعث می‌شود که برای خلاصی از فقر حرکت کنند. اگر می‌خواهید به فقرا کمک کنید به آن‌ها ثابت کنید که شما خودتان می‌توانید ثروتمند شوید. با ثروتمند شدن خودتان، به فقرا انگیزه بدهید. راه ریشه‌کنی ابدی فقر ثروتمند کردن روز افزون مردم با استفاده از آموزه‌های این کتاب است. مردم باید یاد بگیرند که با خلق و آفرینش و نه با رقابت می‌توان ثروتمند شد.

فردی که با شیوه‌ای رقابتی ثروتمند شود پلکان ترقی را پشت سر خود به زمین می‌اندازد و دیگران را از رشد باز می‌دارد. اما فردی که به شیوه‌ی خلاق ثروتمند شده راه‌هایی را پیش روی هزاران نفر می‌گشاید و به آن‌ها انگیزه‌ی قدم گذاشتن در آن‌راه‌ها را می‌دهد. دوری از ترحم و دلسوزی به حال فقرا نشانه سنگدلی و بی‌احساسی نیست. وقتی فقر را نمی‌بینید، درباره‌ی آن مطالعه نمی‌کنید یا در مورد آن فکر و صحبت نمی‌کنید و به حرف‌های کسانی که درباره‌ی فقر صحبت می‌کنند گوش نمی‌دهید از قدرت اراده‌ی خود استفاده می‌کنید تا ذهن خود را از مبحث فقر دور نگه دارید. ذهن خود را با ایمان و هدفمندی بر آن تصویری که می‌خواهید به آن برسید متمرکز کنید.

فصل دهم

استفاده بیش‌تر از اراده

شما نمی‌توانید تصویری روشن و پر جزئیات از ثروت داشته باشید در حالی که پیوسته توجه خود را به تصویر مخالف آن یعنی فقر معطوف کرده‌اید. فرقی نمی‌کند این تصاویر ذهنی باشند و یا عینی. از مشکلات مالی گذشته خود صحبت نکنید. اصلاً به این مشکلات فکر نکنید. از فقر والدین و یا زندگی سخت گذشته‌ی خود صحبت نکنید. در غیر این صورت خود را از لحاظ ذهنی در زمره‌ی طبقات فقیر جامعه قرار می‌دهید. و به طور قطع حرکت اشیاء در جهت شما با این سخنان کنترل خواهد شد. پیامبر خدا می‌فرماید: «بگذارید مردگان، مردگان خود را به خاک بسپارند»

فقر و هر آنچه به آن مربوط است را کاملاً پشت سر بگذارید. شما این واقعیت را پذیرفته‌اید که یک نظریه‌ی قطعی و صحیح بر کائنات حاکم است. حال اگر تمامی آرزوهای خود را بر اساس آن نظریه بخواهید و بر اساس آن عمل کنید به‌خواسته خود خواهید رسید. توجه کردن به نظریه‌های مخالف و متناقض هیچ

کمکی به شما نخواهد کرد. آن کتاب‌های مذهبی که از پایان یافتن زود هنگام جهان صحبت می‌کنند را مطالعه نکنید. نوشته‌های فیلسوف‌های منفی‌باف و فضولی که همه چیز را در قلمرو و تحت کنترل شیطان می‌بینند را مطالعه نکنید. جهان در کنترل و در دستان شیطان نیست، جهان در قبضه‌ی قدرت‌الهی خداوند است. جهان در حال شکفتن‌انگیزتر شدن است. این‌که موارد نامطلوب زیادی در شرایط کنونی ما وجود دارد واقعیت دارد اما آیا مطالعه‌ی آن‌ها فایده‌ای هم دارد؟

موارد نامطلوب در حال از بین رفتن هستند و مطالعه‌ی آن‌ها فقط سرآمدن آن‌ها را کنترل کرده و مدت زمانی بیشتر آن‌ها را با ما نگه می‌دارد. چرا زمان و انرژی خود را صرف مسائلی کنیم که در روند رشد تکاملی بشر، خود به خود از بین خواهند رفت؟ شما می‌توانید با ایفای نقش واقعی و درست خود به از بین رفتن آن مسائل در روند رشد تکاملی بشر کمک کنید. اصلاً اهمیتی ندارد که شرایط در برخی کشورها، بخش‌ها و یا مناطق تا چه حد وحشتناک است. شما با توجه به این مشکلات فقط زمان خود را هدر می‌دهید و فرصت‌ها را از خود دور می‌کنید. شما باید به ثروتمند شدن آن‌هم در سطحی جهانی علاقه‌مند باشید. به جای این‌که به خارج شدن از فقر فکر کنید، به وارد شدن به ثروت بیاندیشید به خاطر داشته باشید که تنها راه کمک به ثروتمند شدن جهان این است که خود شما با بکارگیری روش‌های خلاق و نه رقابتی ثروتمند شوید. توجه کامل خود را به ثروت معطوف کنید. فقر را نادیده بگیرید.

هرگاه به فقرا فکر می‌کنید و یا درباره‌ی آن‌ها صحبت می‌کنید به گونه‌ای به آن‌ها بیاندیشید و از آن‌ها سخن بگوئید که گویی در حال ثروتمند شدن هستند، فقرا را انسان‌هایی بدانید که باید به آن‌ها تبریک گفت و نه این‌که شایسته‌ی ترحم باشند. با این کار فقرا انگیزه‌ی لازم را کسب خواهند کرد تا به دنبال راه نجاتی از فقر باشند. تمامی وقت، ذهن و اندیشه را صرف ثروت کردن، به این معنا نیست که باید انسانی سنگدل و بدذات بود. ثروت‌اندوزی شرافت‌مندانه‌ترین هدف حیات است زیرا تمامی دیگر اهداف را در بر می‌گیرد. در یک چارچوب رقابتی ثروت‌اندوزی، از قدرت انسان در جهت به کنترل درآوردن انسان‌ها استفاده می‌شود و خواست خداوند در نظر گرفته نمی‌شود. اما وارد شدن به ذهن خلاق همه چیز را تغییر خواهد داد. عظمت و گشایش، تلاش شرافت‌مندانه و خدمت به خلق همگی با ثروتمند شدن محقق می‌شوند زیرا برای دستیابی به این ارزش‌ها امکاناتی لازم است که با ثروت به دست می‌آیند.

اگر از ضعف جسمانی رنج می‌برید خواهید دید که دستیابی به سلامت جسمانی مشروط به ثروت‌اندوزی است. تنها کسانی می‌توانند سلامت بمانند که از نگرانی‌های مالی بدور بوده و امکانات لازم برای یک زندگی بدون دغدغه خاطر و نگرانی را داشته باشند و بتوانند بهداشت را رعایت کنند. عظمت روحی و اخلاقی از آن کسانی است که برای حفظ بقاء نیازی به رقابت نداشته باشند و در راستای یک چارچوب اندیشه‌ی خلاق، ثروتمند شده باشند. اگر از صمیم قلب به دنبال سعادت خانوادگی هستید بدانید که عشق زمانی بهتر شکوفه می‌زند که بتوان ارزش آن‌را درک کرد، با درک بالایی به آن اندیشید و آن‌را از

علم ثروتمند شدن

افتادن در ورطه‌ی فساد و روزمرگی حفظ کرد و این زمانی رخ می‌دهد که با استفاده از اندیشه‌ای خلاق و بدون درگیری و رقابت ثروتمند شده باشید. تکرار می‌کنم که شما نمی‌توانید هدفی شرافت‌مندانه‌تر و عظیم‌تر از ثروتمند شدن را جستجو کنید. توجه خود را از آن تصویر ذهنی که بر فقر متمرکز است دور کنید تا ذهنی کاملاً پاکیزه داشته باشید. سعی کنید ماهیت زیبای هر شیء را درک کنید، سعی کنید در ورای ظاهر اتفاقات و اشیاء، حقایق را ببیند. حیات کامل همواره در جهت تجلی کامل و سعادت کامل‌تر است.

واقعیت این است که چیزی به نام فقر وجود ندارد، هر چه هست ثروتِ مطلق است.

برخی مردم فقیر باقی می‌مانند زیرا از این حقیقت غافل‌اند که برای آن‌ها هم ثروت وجود دارد. با تغییرات شخصیتی و رسیدن به ثروت می‌توانید این مطلب را به آن‌ها آموزش دهید. برخی دیگر از فقرا می‌دانند که راه‌حلی وجود دارد اما از لحاظ عقلی بسیار کم بهره‌اند و نمی‌توانند تلاش ذهنی لازم را در یافتن راه و به ثمر رساندن آن انجام دهند. بهترین کاری که برای این افرادی می‌توان کرد این است که بر اساس تمایلاتشان به آن‌ها انگیزه داد و به آن‌ها ثابت کرد که می‌توان با ثروت واقعی سعادت‌مند شد. دیگران همچنان در فقر به سر می‌برند زیرا اگر چه بارقه‌هایی از علم ثروت‌اندوزی را می‌بینند اما در هزارتوی ماوراء الطبیعه و نظریه‌های افسون‌گر اسیر و سردرگم شده‌اند. آن‌ها سعی می‌کنند ترکیبی از علوم مختلف را بکار گیرند و در همه‌ی آن‌ها شکست می‌خورند، به همین دلیل دوباره تأکید می‌کنم که بهترین راه این است شما خودتان راه درست را پیدا کرده و از آن مسیر بروید. ذره‌ای عمل بر خوارها نظریه‌پردازی می‌ارزد.

بهترین خدمتی که می‌توانید به کل جهان هستی بکنید این است که نهایت تلاشتان را بکنید. هیچ روشی برای خدمت به خدا و خلق خدا بهتر از ثروت‌اندوزی با استفاده از روش خلاق نمی‌باشد. نباید با روش رقابتی ثروتمند شوید. ادعای دیگر ما این است که این کتاب اصول علم ثروت‌اندوزی را با جزئیات کامل ارائه داده است. در صورت صحت این ادعا شما به مطالعه‌ی هیچ کتاب دیگری در این زمینه نیاز نخواهید داشت. شاید این فکر کوتاه‌فکرانه و متعصبانه به نظر برسد اما توجه داشته باشد که در محاسبات ریاضی به جز ۴ عمل اصلی ضرب، تقسیم، جمع و تفریق راه دیگری وجود ندارد، فقط یک کوتاه‌ترین فاصله‌ای میان دو نقطه هست و فقط یک راه برای علمی فکرکردن وجود دارد و آن فکرکردن به مستقیم‌ترین و ساده‌ترین راه برای رسیدن به هدف است. انسان تا به امروز نتوانسته سیستمی مختصر و مفیدتر از آنچه در این کتاب آمده است طراحی و دسته‌بندی کند، در این کتاب تمامی موارد غیرضروری حذف شده‌اند. هنگامی که به آموزه‌های این کتاب متعهد شدید، کتاب‌های دیگر را به کناری بگذارید و همگی آن‌ها را از ذهن پاک کنید.

علم ثروتمند شدن

این کتاب را روزانه مطالعه کنید. آن را به همراه خود داشته باشید، آن را به خاطر بسپارید و به هیچ سیستم و یا نظریه‌ی دیگری فکر نکنید. در صورتی که این کار را انجام ندهید شک و دو دلی به شما روی می‌آورد، افکارتان نامطمئن شده و از این شاخه به آن شاخه می‌پرد و این جا ست که شکست شما آغاز خواهد شد. پس از موفقیت و ثروتمند شدن، سیستم‌های دیگر را تا آن اندازه که علاقه‌مند هستید بررسی و مطالعه کنید. اما تا زمانی که کاملاً مطمئن نشده‌اید که به خواسته‌های خود رسیده‌اید هیچ نوشته‌ی دیگری را که در راستای این کتاب نباشد مطالعه نکنید مگر این که نام نویسنده‌ی آن در مقدمه‌ی این کتاب آورده شده باشد. فقط خبرهای مثبت را بخوانید و به آن خبرهایی توجه کنید که با تصویر ذهنی شما در هماهنگی کامل باشند. همچنین از تجسس و موشکافی در امور مرموز بپرهیزید. مسائل مربوط به نظریه پردازی‌های گوناگون و افسون و سحر و جادو را به کناری بگذارید و به این که مردگان هم‌چنان به حیات خود ادامه می‌دهند و در نزدیکی ما زندگی می‌کنند و صحت و سقم این مسئله توجهی نکنید. مردگان را به حال خودشان رها کنید. سرتان به کار خودتان باشد.

ارواح مردگان هر جا که باشند به امورات خود مشغول‌اند ما حق نداریم در مسائل آن‌ها وارد شویم. نمی‌توانیم به آن‌ها کمکی کنیم، نمی‌دانیم آیا آن‌ها می‌توانند به ما کمکی کنند و یا اصلاً این حق را داریم که از آن‌ها بخواهیم زمانی را نیز به ما اختصاص دهند یا خیر. همه موارد مشکوک فوق را رها کنید و مشکلات‌تان را خودتان حل کنید و ثروتمند شوید. اگر با سحر و جادو و افسون‌گری خود را مشغول کنید وارد نوعی جریان ذهنی خواهید شد که امیدهای شما را بر باد خواهد داد. در این فصل همانند فصول پیشین عبارات پایه‌ای را تکرار می‌کنم. جوهره‌ی اندیشمندی وجود دارد که منشاء خلق همه‌ی اشیاء می‌باشد که در حالت اصل خود در سرتاسر کائنات پراکنده شده و نفوذ کرده است و فضاها را پر کرده است. مختلف را پر کرده است. القاء تصویر هر اندیشه‌ای بر این جوهره می‌تواند آن اندیشه را در واقعیت خلق کند. انسان می‌تواند اشیاء را در اندیشه‌ی خود تصور کند و با القاء این اندیشه‌ها به جوهره‌ی بی‌شکل آن اندیشه‌ها را بیافریند.

برای انجام این کار باید جهت‌گیری ذهنی را از رقابت به خلاقیت سوق داد و تصویری روشن از خواسته‌های خود داشت و با هدف‌مندی این تصاویر را در ذهن تثبیت کرد تا به خواسته رسید و ایمان راسخ داشت که خواسته قابل دسترسی است. راه را بر هر ذهنیتی که هدف‌تان را سست کرده، تصویرتان را تار کند و یا ایمانتان را متزلزل سازد ببندید. با در نظرگرفتن تمامی مطالب فوق در می‌یابیم انسان باید به شیوه‌ای خاص زندگی و اقدام کند.

اندیشه، نیروی خلاق و یا قدرتی است که نیروی خلاق را به انجام کاری وا می‌دارد. تفکر به شیوه‌ای خاص ثروت را به زندگی شما سرازیر می‌کند اما باید توجه داشته باشید که تکیه و توجه صرف بر اندیشه بدون هیچ اقدام فردی فایده‌ای ندارد. اشتباه تکیه محض بر اندیشه همان صخره‌ای است که کشتی تمامی آن افرادی که صرفاً به افکار متافیزیکی خود اعتماد می‌کنند به آن برخورد می‌کند و به گل می‌نشیند. باید اندیشه خود را با اقدام فردی همراه کنید. ما در این‌جا فرض را بر این قرار می‌دهیم که مرحله‌ای از رشد بشری که انسان بتواند در آن مرحله مستقیماً و از طریق جوهره‌ی اندیشمند به خلق و آفرینش اقدام کند وجود ندارد و اگر همچنین مرحله‌ای وجود داشته باشد انسان این عصر هنوز به آن مرحله نرسیده است. اندیشه به تنهایی هیچ کاری را به انجام نمی‌رساند و باید با اقدام فردی مناسب همراه بشود.

اندیشه‌ی شما طلای پنهان در دل کوهستان‌ها را به شما نشان خواهد داد. اما آن طلاها به خودی استخراج نخواهند شد، خود را پالایش نمی‌کنند و به صورت سکه در نمی‌آیند و روی جاده‌ها نمی‌غلطند تا این که وارد جیب شما شوند! قدرت هوش برتر کیهانی تلاش‌های انسانی را در نظمی قرار داده است که اگر فردی به سوی معدن هدایت شود افراد دیگری نیز هستند که روابط تجاری‌شان به گونه‌ای هدایت می‌شود تا طلاها را برای شما بیاورند و شما هم باید مسائل تجاری خود را طوری برنامه‌ریزی کنید که هنگام رسیدن طلاها بتوانید آن‌ها را دریافت کنید. اندیشه‌ها اشیاء زنده و غیر زنده را خلق می‌کنند تا شما را به خواسته‌هایتان برسانند. البته اقدام فردی شما باید به گونه‌ای باشد که هنگام مهیا بودن آن‌ها بتوانید خواسته خود را دریافت کنید. قرار نیست خواسته‌ی خود را در قالب یک اقدام خیریه دریافت کنید و یا این که آن‌را بدزدید. شما باید به هر فرد در ازای شیء که دریافت می‌کنید بیش از ارزش مادی آن شیء از لحاظ عملی و معنوی پیردازید.

استفاده‌ی علمی از اندیشه به این شکل است که شما در ابتدا تصویری روشن، واضح و پرجزئیات از خواسته‌ی خود را در ذهن شکل می‌دهید و سپس در جهت دستیابی به آن تصویر سریعاً اقدام می‌کنید و این کار را با ایمان کامل از این که به خواسته خود خواهید رسید و با شکرگزاری از این که به خواسته‌ی خود رسیده‌اید انجام می‌دهید. به هیچ روش مرموز و یا سحرآمیزی به امید این که به خواسته خود می‌رسید متوسل نشوید. این تلاش بی‌هوده است و قدرت تفکر پاک و مقدس شما را تضعیف می‌کند. در فصول پیشین جزئیات اقدام صحیح در هم‌راستایی با اندیشه به طور کامل شرح داده شده است. ایمان و هدف‌مندی شما تأثیر مثبتی بر تصویری که بر جوهره‌ی بی‌شکل القاء می‌کنید دارد که به اندازه‌ی شما

تمایل دارد حیات بخشی کند و شما را رشد دهد. جوهره تمامی نیروهای خلاق را به کار می‌گیرد تا از طریق تمامی کانال‌های موجود و معمول در جهت خواسته‌ی شما حرکت کند و آن خواسته را برآورده کند.

نقش شما هدایت و نظارت بر آن جریان خلاق نمی‌باشد. وظیفه‌ی شما این است که به تصویر ذهنی خود پای‌بند بمانید، هدف‌مند باشید و ایمان و شکرگزاری خود را حفظ کنید. اما شما باید به شیوه‌ای خاص عمل کنید تا بتوانید آنچه را که از آن شماست در آن لحظه‌ای که در مقابل شما قرار می‌گیرد شناسایی کرده و بر اساس تصویر ذهنی خود آن را به دست آورید و در جای مناسب خود قرار دهید.

واقعیت این است که این اشیاء ممکن است به صورتی به شما روی آورند که در دستان دیگران باشند و دیگران معادل آن اشیاء را از شما طلب کنند. در این‌جا شما با پرداخت معادل آن اشیاء به آن صورتی که شخص مقابل طلب می‌کند به خواسته خود می‌رسید. کتاب جیبی شما قرار نیست بدون هیچ تلاشی به یک کیف جادویی پر از پول تبدیل شود. این یک نکته مهم در قانون توانگری است، دقیقاً اینجاست که فکر و عمل فردی باید با هم ادغام شوند. افراد زیادی هستند که آگاهانه یا نا خودآگاه نیروی خلاق را بوسیله تفکر و تخیل مدام خود فعال می‌کنند اما همچنان فقیر می‌مانند به این علت که برای دریافت آنچه که می‌خواهند زمانی که می‌آید، آماده نیستند.

با فکر کردن شما، آنچه که می‌خواهید به سمتتان می‌آید ولی با عمل است که شما آن را دریافت خواهید کرد. هرگاه عملی به ذهنتان آمد آنرا انجام دهید. شما نمی‌توانید برای گذشته کاری بکنید و این یک اصل است که برای شفاف کردن تصویر ذهن خود باید گذشته را فراموش کنید. از طرفی شما نمی‌توانید در آینده عمل کنید، به این دلیل که آینده فعلاً اینجا نیست. شما نمی‌توانید بگویید می‌خواهید در آینده کاری کنید تا وقتی که آن زمان نرسیده باشد. بخاطر اینکه در شغل مناسب نیستید یا هم اکنون در مکان مناسب نیستید نباید تصور کنید که شما باید عمل را متوقف کنید تا زمانی که به شغل و محیط مناسب برسید. هم‌چنین به دنبال یافتن راه حلی برای مشکلات احتمالی و شرایط اضطراری و یا به اصطلاح روز مبادا نباشید. ایمان داشته باشید که توانایی روبروشدن با هر شرایط اضطراری در آینده را خواهید داشت. اگر شما در زمان حال با ذهنتان روی آینده کار کنید، کاری که باید برای هم اکنون انجام دهید در ذهنتان خوابیده خواهد ماند و مؤثر واقع نخواهد شد. تمام ذهن خود را به عمل در حال حاضر متمرکز کنید.

نیروی خود را به ماده اساسی منتقل نکنید که بعدش خودتان فقط منتظر نتیجه باشید. اگر چنین کنید هرگز آن‌ها را بدست نخواهید آورد. بجز حال زمانی در دست نخواهد بود و هرگز هم هیچ زمانی بجز حالا وجود ندارد. اگر بخواهید که همواره برای دریافت آنچه می‌خواهید آماده باشید باید در حال حاضر زندگی کنید. کار و عمل شما هرآنچه که باشد باید روی مردم و چیزهایی برنامه ریزی شود که در زمان حال شما هستند. شما نمی‌توانید در زمانی که نیستید کاری انجام دهید، نمی‌توانید در جایی که قبلاً بودید

علم ثروتمند شدن

کاری انجام دهید و نیز نمی‌توانید درجایی که در آینده خواهید بود کاری بکنید. شما تنها می‌توانید در جایی که هم اینک هستید کار کنید. خود را به این امر مشغول نکنید که کاش دیروز فلان کار خوب انجام می‌شد یا اینکه فردا فلان کار خوب انجام می‌شود. کار امروز را خوب انجام بده. سعی نکنید با سحر و جادو و شیوه‌های مرموز بر انسان‌ها و اشیاء تأثیر بگذارید. نخواهید همه چیز تغییر کند و بعد شما اقدام کنید، با اقدام خود محیط را تغییر دهید. با اقدام صحیح می‌توانید بر محیط اطراف خود تأثیر بگذارید و امکانات بهتری را برای خود فراهم کنید.

با ایمان و هدف‌مندی در بهترین فضای ممکن به تصویر ذهنی خود پای‌بند بمانید با این حال با تمام وجود در فضای کنونی اقدام کنید و این کار را با تمام قوا و قدرت ذهنی خود آغاز کنید. زمان خود را با رؤیایپردازی و خیال‌بافی هدر ندهید و به تصویری که از خواسته‌ی خود در ذهن دارید پای‌بند بمانید و از هم اکنون اقدام کنید. به دنبال انجام کاری کاملاً جدید، عجیب، متفاوت و یا چشمگیر به عنوان گام نخست نباشید. اقدامات مناسب شما در زمان کنونی شاید همان چیزهایی باشند که از چندی پیش آغاز کرده‌اید با این تفاوت که پس از مطالعه‌ی این کتاب این کار را به شیوه‌ی خاصی انجام خواهید داد و مطمئناً شما را ثروتمند خواهد کرد. در صورتی که احساس می‌کنید تجارت کنونی شما نامناسب است قبل از اقدام، منتظر آغاز تجارتي جدید نباشید. در همان شغل کنونی خود اقدام به شیوه‌ای خاص را آغاز کنید. به این دلیل که در جایگاه مناسبی قرار ندارید نا امید نشوید و زانوی غم به بغل نگیرید. جایگاه شما آن قدر نامناسب نیست که نتوان آن را تغییر داد تا به جایگاه مناسب خود برسید. یک تجارت نامناسب و اشتباه نمی‌تواند آن قدر شما را درگیر خود کند که نتوانید کار جدیدی را آغاز کنید.

در ذهن تصویری از تجارت مورد علاقه‌ی خود را با هدف‌مندی شکل دهید و ایمان داشته باشید که به آن هدف می‌رسید و اکنون هم در حال طی کردن مراحل رسیدن به آن می‌باشید. با این حال در تجارت کنونی خود اقدام را آغاز کنید. از تجارت فعلی خود به عنوان پلی جهت رسیدن به کاری بهتر استفاده کنید و از محیط کنونی خود به عنوان ابزاری در جهت دستیابی به محیطی بهتر بهره بگیرید. تصویری از یک تجارت مناسب که با ایمان راسخ و هدف‌مندی حفظ شده باشد شعور کیهانی را در جهت فراهم کردن امکانات لازم آن تجارت مناسب به حرکت وا می‌دارد و اقدام مناسب شما که به شیوه‌ای خاص صورت گرفته است شما را در مسیر رسیدن به آن تجارت قرار می‌دهد. در صورتی که کارمند و یا حقوق بگیر هستید و احساس می‌کنید برای رسیدن به خواسته‌هایتان باید تغییر مکان دهید هرگز این اندیشه را به کائنات القاء نکنید که شغل جدیدی بدست آورید و به این اندیشه‌ی صرف تکیه نکنید. کاری که باید انجام دهید این است که به تصویر ذهنی خود از شغل مورد علاقه‌تان پای‌بند بمانید و با ایمان و هدف‌مندی شغل کنونی خود را به بهترین نحو انجام دهید. مطمئناً آن شغل دلخواه را بدست خواهید آورد. تصویر ذهنی در همراهی با ایمان نیروی خلاق را به حرکت وا می‌دارد تا در جهت خواسته‌ی شما قرار

بگیرد و اقدام مؤثر شما از نیروهای موجود در محیط اطراف به گونه‌ای بهره می‌گیرد که شما در مکانی که تمایل دارید قرار بگیرید. در پایان این فصل عبارت جدیدی را به قاعده اضافه خواهیم کرد با این مضمون که؛

جوهره‌ی اندیشمندی وجود دارد که منشاء خلق همه‌ی اشیاء می‌باشد که در حالت اصل خود در سرتاسر کائنات پراکنده شده و نفوذ کرده است و فضاها را میان اشیاء مختلف را پر کرده است. القاء تصویر هر اندیشه‌ای بر این جوهره می‌تواند آن اندیشه را در واقعیت خلق کند. انسان می‌تواند اشیاء را در اندیشه‌ی خود تصور کند و با القاء این اندیشه‌ها به جوهره‌ی بی‌شکل آن اندیشه‌ها را بیافریند. برای انجام این کار باید جهت‌گیری ذهنی را از رقابت به خلاقیت سوق داد و تصویری روشن از خواسته‌های خود داشت و با هدف‌مندی این تصاویر را در ذهن تثبیت کرد تا به خواسته رسید و ایمان راسخ داشت که خواسته قابل دسترسی است. راه را بر هر ذهنیتی که هدف‌تان را سست کرده، تصویرتان را تار کند و یا ایمانتان را متزلزل سازد ببندید. انسان برای اینکه در همان لحظه‌ای که خواسته‌اش سر راه او قرار می‌گیرد بتواند آن را دریافت کند باید در لحظه، در زمان حال و در شرایط کنونی خود اقدام کند.

فصل دوازدهم

اقدام مؤثر

از اندیشه‌های خود همان‌طور که تاکنون به شما آموزش داده شده است استفاده کنید. در هر جا که هستید هر کاری را که می‌توانید آغاز کنید و این کار را با تمام وجود انجام دهید. هنگامی که وظیفه‌ی کنونی خود را به بهترین نحو انجام داده باشید پیشرفت آغاز می‌شود. تا زمانی که وظیفه‌ی کنونی خود را به بهترین نحو انجام نداده باشید نمی‌توانید از شرایط کنونی خود فراتر روید. کسانی که کار خود را در هر شرایطی به بهترین نحو ممکن به انجام می‌رسانند رشد در جهان را به وجود می‌آورند. اگر هیچ انسانی وظیفه‌ی خود را به درستی ایفا نکند در همه امورات جهان، عقب‌گردی را مشاهده خواهیم کرد. کسانی که وظیفه‌ی خود را به درستی انجام نمی‌دهند باری بر دوش دولت، اقتصاد، صنعت و جامعه‌اند و کار ناتمام آن‌ها را باید دیگران به اتمام برسانند. این افراد فرآیند رشد جهانی را به تعویق می‌اندازند. آن‌ها در عصر و یا دوره‌ای قبل از دوره کنونی زندگی می‌کنند و از بین خواهند رفت، تک تک افراد هر جامعه‌ای باید کارهای خود را به بهترین نحو ممکن به نتیجه برسانند تا جامعه رشد کند.

تکامل اجتماعی تابع تکامل جسمی و ذهنی تک‌تک افراد جامعه است.

علم ثروتمند شدن

در دنیای حیوانات سیر تکامل بوسیله تکامل نوع است. هرگاه یک ارگانیسم فعال تر باشد از جایگاه خود به ارگانیسم های متریقی تکامل می یابد و مکانی جدید برای آن ها باز می شود. هرگز برای ارگانیسمی که بیش از مکان خود پر نمی کند مکانی ساخته نمی شود. قانون برای ما نیز همینطور است. ثروتمند شدن شما به تلاش شما برای اجرا کردن این اصول در کار و زندگی شخصی تان بستگی دارد. هر روز یا روز شکست است یا روز موفقیت و آن روزهایی روزهای موفقیت هستند که شما به خواسته های خود رسیده اید. اگر هر روزتان با شکست توأم باشد هرگز ثروتمند نخواهید شد در حالی که اگر هر روزتان را با موفقیت همراه کنید حتماً ثروتمند می شوید. اگر کاری دارید که باید امروز انجام شود و آن را انجام ندهید آن روز در انجام آن کار شکست خورده اید و نتیجه ی این شکست ممکن است بسیار مصیبت بار باشد.

شما نمی توانید نتایج حاصل از حتی کوچک ترین اقدام را پیش بینی کنید. شما از نحوه ی عملکرد نیروهایی که در جهت سود رساندن به شما به حرکت درمی آیند اطلاعی ندارید. بسیاری از نیروها ممکن است فقط بر انجام اقدامات کوچک شما متکی باشند. شاید اقدام زیادی لازم نباشد تا دری از فرصت ها و احتمالات خارق العاده به روی شما گشوده شود. شما شاید احتمالات مختلفی را که هوش کیهانی در جهت موفقیت در اختیارتان قرار خواهد داد به درستی شناسید. غفلت و کوتاهی شما در به انجام رساندن امور جزئی ممکن است تأخیری دراز مدت را در رسیدن به خواسته های تان رقم بزند. هرروز تمام کارهای مربوط به آن روز را به طور کامل و درست انجام دهید. البته محدودیت ها و توانایی های خود را نیز در نظر بگیرید. نباید بیش از اندازه از خود کار بکشید یا کارهای خود را چشم بسته انجام دهید، سعی نکنید تا حد امکان بیشترین تعداد کارها را در کوتاه ترین زمان ممکن به نتیجه برسانید.

نیازی نیست کار فردا را امروز انجام دهید و یا این که کار یک هفته را در یک روز به اتمام برسانید. تعداد کارهای انجام شده نیست که به حساب می آید، کارآمدی و مؤثر انجام دادن هر کار است که نتیجه می دهد. هر کاری خودش می تواند به تنهایی یک موفقیت یا شکست محسوب شود. هر عملی خودش به تنهایی می تواند مؤثر یا بی اثر باشد. هر کار غیر موثری یک شکست است و اگر شما تمام زندگی خود را صرف انجام کارهای غیر مؤثر کنید تمام زندگی شما یک شکست خواهد بود. هر چه کار بیشتری انجام دهید برای شما بدتر است اگر هر کاری انجام دهید یک شکست باشد. به بیانی دیگر هر کار موثری به خودی خود یک موفقیت است و اگر تمام کارهای زندگی شما یک موفقیت باشند تمام زندگی شما به یک موفقیت بزرگ تبدیل می شود. نظریه ی فوق کاملاً روشن و صریح است. در صورتی که در کارنامه ی اقدامات شما اقدام غیرعملی وجود نداشته باشد و تمامی اقدامات شما مؤثر بوده باشند موفق و ثروتمند خواهید شد. تا جایی که برای تان ممکن است اقدامات مؤثرتری را به انجام برسانید و با این کار خواهید دید که علم ثروت اندوزی همانند ریاضی علمی بسیار دقیق است.

حال این پرسش مطرح می‌شود که چگونه می‌توان هر اقدامی را به خودی خود به یک موفقیت تبدیل کرد. این کار را می‌توان به راحتی انجام داد. زیرا که خداوند قادر متعال به همراه شماسست و هیچ‌گاه شکست نمی‌خورد. نیروهای الهی در خدمت شما هستند و در صورتی که از این نیرو به درستی و در جهت انجام صحیح کارها بهره‌گیری موفق خواهید شد. هر اقدامی می‌تواند ضعیف انجام شود یا قدرت‌مند، و هنگامی که همه اقدامات شما قدرت‌مند باشند و به شیوه‌ای خاص عمل کرده باشید ثروتمند خواهید شد. هنگام انجام هر اقدامی به تصویرذهنی خود پایبند باشید، با این کار اقدام شما قدرت‌مند و کارآمد خواهد بود زیرا با تمامی ایمان و هدف‌مندی خود اقدام کرده‌اید. درست در همین مرحله است که کسانی که قدرت ذهنی و اقدام مؤثر را از هم جدا می‌کنند با شکست مواجه می‌شوند. آن‌ها در یک مکان و زمان از قدرت ذهن خود استفاده می‌کنند اما در مکان و زمان دیگری اقدام می‌کنند و این اقدام ناموفق خواهد بود، هنگامی که با تمامی قوا و با توکل بر خدا دست به کاری بزنید حتی اگر آن کار بسیار ساده و معمولی باشد با موفقیت توأم خواهد شد. در ماهیت ذاتی اشیاء هر موفقیت دری را به سوی موفقیت‌های بیش‌تر می‌گشاید و با سرعت روز افزونی شما را در جهت رسیدن به خواسته‌هایتان حرکت می‌دهد.

به خاطر داشته باشید که نتایج حاصل از هر اقدام مجزا، به‌طور جمعی به شما می‌رسند. میل به حیات رو به رشد در تمامی اشیاء و موجودات وجود دارد، هرگاه انسانی طالب حیاتی بهتر و بهتر می‌شود، بسیاری از اشیاء را به سوی خود جذب می‌کند و تأثیر این گرایش چندین برابر می‌شود. کارهای مربوط به هر روز را در همان روز و به شیوه‌ای مؤثر به نتیجه برسانید. در هنگام انجام کارهای تان به تصویر ذهنی خود پای‌بند بمانید. لازم نیست این تصور ذهنی را در تمامی اوقات با جزئیات دقیق و کامل به خاطر بیاورید. ممکن است این تصویر بسیار ساده و معمولی باشد. شما می‌توانید در اوقات فراغت خود قوه‌ی خیال خود را بال و پر داده و یک تصویر ذهنی بسیار دقیق و جزئی را مشاهده کنید اما آن کاری که باید به درستی انجام دهید این است که این تصاویر باید به اشکال مثبت و انگیزه‌بخش در ذهن شما ثبت شوند. اگر به نتایج سریع علاقه‌مند هستید تمامی اوقات فراغت خود را به این کار اختصاص دهید. با تعمق مداوم بر تصویر ذهنی به تصویری جامع و پر جزئیات از خواسته خود می‌رسید.

حتی کوچک‌ترین جزئیاتی که در ذهن شما ثبت شده‌اند به همان صورت کامل و بی‌نقص به جوهره‌ی بی‌شکل منتقل خواهند شد. در ساعات کاری از لحاظ ذهنی آن تصاویر را مرور کنید تا ایمان و هدف خود را برانگیزانید و در جهت رسیدن به خواسته‌هایتان تلاش کنید. در اوقات فراغت در تصویر خود تعمق کنید تا جایی که ضمیر خودآگاه شما از آن تصویر لبریز شود و بتوانید به محض این‌که اراده کنید در لحظه به تصویر دسترسی کامل داشته باشید. نتایج این کار آن‌چنان جذاب و شیرین خواهد بود که صرفاً اندیشیدن به آن‌ها قدرتمندترین انرژی‌های درونی شما را به حرکت در خواهد آورد. اجازه بدهید دوباره قاعده‌ی خود را تکرار کنم. البته در جمله‌ی پایانی آن با توجه به روند مطالب تغییرات اندکی داده‌ام:

علم ثروتمند شدن

جوهره‌ی اندیشمندی وجود دارد که منشاء خلق همه‌ی اشیاء می‌باشد که در حالت اصل خود در سرتاسر کائنات پراکنده شده و نفوذ کرده است و فضاها‌ی میان اشیاء مختلف را پر کرده است.

القاء تصویر هر اندیشه‌ای بر این جوهره می‌تواند آن اندیشه را در واقعیت خلق کند.

انسان می‌تواند اشیاء را در اندیشه‌ی خود تصور کند و با القاء این اندیشه‌ها به جوهره‌ی بی‌شکل آن اندیشه‌ها را بیافریند. برای انجام این کار باید جهت‌گیری ذهنی را از رقابت به خلاقیت سوق داد و تصویری روشن از خواسته‌های خود داشت و با هدف‌مندی این تصاویر را در ذهن تثبیت کرد تا به خواسته رسید و در هر روز تمامی آن کارهایی را که می‌توان انجام داد به نحو موثری به نتیجه رساند.

فصل سیزدهم

آغاز یک تجارت مناسب

برای موفقیت در هر تجارتی باید استعداد‌های لازم در آن تجارت را داشت. شخصی که استعداد موسیقی ندارد نمی‌تواند یک مدرس موسیقی موفق شود. فردی که استعداد‌های مکانیکی پرورش یافته‌ای نداشته باشد نمی‌تواند موفقیت عظیمی را در تجارت مکانیکی کسب کند. فرد فاقد استعداد‌های بازرگانی و ارتباط مؤثر نمی‌تواند در امور تجاری موفق عمل کند، با این وجود صرف داشتن استعداد در زمینه‌ای خاص، موفقیت در آن زمینه را تضمین نمی‌کند. موسیقی دانان مستعدی وجود دارند که هم‌چنان در فقر به سر می‌برند. نجارها، آهنگران و انسان‌های مستعد و فوق‌العاده‌ی فراوانی وجود دارند که ثروتمند نیستند. تاجران فراوانی هستند که استعداد‌های قابل توجهی دارند، اما در معاملات خود شکست می‌خورند. هر استعدادی مانند یک ابزار عمل می‌کند و داشتن ابزار لازم و مناسب در انجام مؤثر هر کاری ضرورت دارد اما لازم است از این ابزار به شیوه‌ای مناسب استفاده شود. شخصی می‌تواند با استفاده از یک اره‌ی تیز، قطعه‌ای چوب و یک سوهان مناسب، اثاثیه زیبایی بسازد.

دیگری ممکن است همان ابزار را برداشته و ناشیانه هنر اولی را تقلید و کپی‌برداری کند. اشیائی که شخصی دوم تولید می‌کند ناشیانه است او نمی‌داند که چگونه از ابزار مناسب به شیوه‌ای موفق استفاده کند. استعداد‌های ذهنی گوناگون شما ابزاری هستند که باید در ثروت‌اندوزی از آن‌ها بهره بگیرید. موفقیت در آن تجارتی که به ابزار ذهنی لازم برای آن تجارت مجهز باشید آسان‌تر خواهد بود.

به طور کلی شما در تجارتي که در آن از قدرت‌مندترین استعدادهایتان استفاده کرده باشید و از لحاظ طبیعی با شما سازگارتر باشد، موفق‌تر خواهید بود. اما این عبارت محدودیت‌هایی را نیز در بر می‌گیرد. نباید حرفه‌ی خود را به گونه‌ای انتخاب کنید که به نظر غیرقابل تغییر بیاید و با توانایی‌های مادرزادی شما در تضاد باشد. شما قابلیت موفقیت در هر تجارتي را دارید حتی اگر استعدادهای لازم آن تجارت را نداشته باشید زیرا می‌توانید آن استعدادها را کسب کنید. یعنی این که می‌توانید در حالی که در مسیر پیشرفت گام بر می‌دارید امکانات مورد نیاز خود را نیز تأمین کنید. لازم نیست خود را به استفاده‌ی صرف از استعدادهای مادرزادی‌تان محدود کنید. البته موفقیت در حرفه‌ای که از قبل استعداد لازم جهت رشد در آن را کسب نموده‌اید آسان‌تر است.

اما موفقیت در هر حرفه‌ای امکان‌پذیر است زیرا شما می‌توانید هر کدام از استعدادهای فطری خود را پرورش داده و در آن استعداد به بالاترین سطح از رشد و پیشرفت برسید و مطمئن باشید که شما در هر زمینه‌ای حداقل استعداد فطری لازم را دارید. در صورتی که از استعدادهای شکوفا شده‌ی خود استفاده کنید به راحتی می‌توانید ثروتمند شوید. با این حال در صورتی که در راستای شغل و حرفه‌ی مورد علاقه‌ی خود استعدادهای شکوفا نشده‌ی خود را پرورش داده و شکوفا کنید، ثروت‌اندوزی شما با رضایت‌مندی بیشتری توأم خواهد بود. زندگی یعنی این که کاری را انجام دهیم که دوست داریم و اگر مجبور باشیم برای همیشه شغلی داشته باشیم که به آن علاقه‌ای نداریم هیچ‌گاه رضایت واقعی نخواهیم داشت. شما مطمئناً می‌توانید کاری را که می‌خواهید انجام دهید. تمایل نشان‌گر وجود توانایی است.

گرایش به نواختن موسیقی نیرویی است که توانایی نواختن موسیقی را نشان می‌دهد که در طلب آشکار شدن و رشد است. تمایل به اختراع ابزار مکانیکی یک استعداد مکانیکی را نشان می‌دهد که در طلب آشکارشدن و رشد است. در آن‌جایی که هیچ نیروی رشد یافته و یا حتی ضعیفی برای انجام کاری وجود نداشته باشد تمایلی به انجام آن کار نیز وجود ندارد. وجود میل شدید برای انجام کاری نشان می‌دهد که نیروی عظیمی نیز در جهت انجام آن کار وجود دارد و فقط باید این نیرو را پرورش داده و به شیوه‌ای صحیح به کارگرفت. در شرایط یکسان بهتر است آن تجارتي را انتخاب کنید که استعدادهای مورد نیاز آن تجارت در شما شکوفا شده باشند اما با این حال اگر به زمینه‌ی کاری خاصی گرایش دارید در نهایت باید آن را به عنوان هدف خود انتخاب کنید. شما می‌توانید هر آنچه را که می‌خواهید انجام دهید و این حق شماست که تجارت و یا حرفه‌ای را دنبال کنید که با شما هماهنگی بیشتری دارد و از آن لذت می‌برید. شما مجبور نیستید کاری را که دوست ندارید انجام دهید و نباید آن کار را انجام دهید مگر این که از آن به صورت ابزاری در جهت انجام کار مورد علاقه‌ی خود استفاده کنید.

اگر به خاطر اشتباهات گذشته و پیامدهای آن در محیط یا تجارتي نامطلوب قرار دارید و مجبور خواهید بود تا مدت زمانی به کاری که علاقه‌ای ندارید ادامه دهید می‌توانید با علم به این که تجارت کنونی شما

این امکان را برای شما فراهم خواهد کرد که به انجام کار مورد علاقه‌ی خود نزدیک‌تر شوید انجام آن کار را لذت بخش کنید. اگر احساس می‌کنید حرفه‌ی مناسبی ندارید در پا گذاشتن به حرفه‌ای دیگر عجله نکنید. معمولاً بهترین راه تغییر شغل و یا محیط کاری، رشد و ترقی در همان شغل کنونی است. در صورتی که فرصتی در مقابل شما قرار دارد از تغییر سریع و ناگهانی نهراسید و هنگامی که پس از بررسی دقیق به این نتیجه رسیدید که فرصتی مناسب در اختیار دارید تا زمانی که از لحاظ عقلانی تردید دارید عجولانه و ناگهانی اقدام نکنید. در چارچوب خلاق عجله معنایی ندارد و هیچ‌گاه کمبود فرصت پیش نخواهد آمد. با کنار گذاشتن ذهن رقابتی می‌فهمید به اقدام عجولانه نیازی نمی‌باشد. در ذهن خلاق کسی در صدد شکست دادن شما نیست. برای همه به اندازه‌ی کافی است، اگر فضایی اشغال شود به‌زودی فضایی بهتر در مقابل شما گشوده خواهد شد. زمان فراوانی در اختیار شماست. هنگام دودلی و شک، صبور باشید. به تصویر ذهنی خود نظر عمیقی بیاندازید و هدف‌مندی و ایمان خود را تقویت کنید. در زمان‌های شک و تردید با تمامی وجود سپاسگزار خداوند باشید. یکی دو روز را صرف تعمق بر تصویر ذهنی خود کنید و خالصانه به خاطر این که به خواسته‌های خود رسیده‌اید خداوند را شکر کنید. با این کار ذهن شما در چنان ارتباط نزدیکی با شعور کیهانی قرار می‌گیرد که شما هنگام اقدام مرتکب هیچ خطایی نخواهید شد. ذهن شما هر آنچه را که باید می‌شناسد و شما با ایمان راسخ و هدف‌مندی در دست‌یابی به اهدافتان در جهت رسیدن به یک حیات کامل با سپاسگزاری عمیق قلبی می‌توانید به وحدت کامل با این ذهن برسید.

اشتباهات از اقدامات عجولانه، اقدامات ناشی از ترس و تردید و یا فراموش کردن انگیزه‌های واقعی در جهت رشد حیات در همگان، منشاء می‌گیرند. با ادامه رفتار به شیوه‌ای خاص فرصت‌های روز افزونی به شما روی خواهند آورد. بر ایمان و هدف خود استوار و راسخ بمانید و با سپاسگذاری خالصانه در نزدیکی و ارتباط عمیق با خداوند قرار بگیرید. هر روز کارهای آن روز را به طور کامل و دقیق و فارغ از ترس و نگرانی و عجله انجام دهید. با سرعت تمام به جلو حرکت کنید اما هرگز عجله نکنید. به خاطر داشته باشید به محض این که در انجام کاری عجله کنید شما دیگر آفریننده و خالق نخواهید بود و به رقیبی تبدیل خواهید شد که دوباره به چارچوب رقابتی سقوط خواهید کرد. هر گاه خود را در حال عجله یافتید لحظه‌ای درنگ کنید، توجه خود را به تصویر ذهنی خواسته‌هایتان معطوف کنید و به خاطر به دست آوردن آن‌ها شکرگذار باشید، تلاش در جهت شکرگذاری همیشه ایمان شما را تقویت می‌کند و هدف شما را دوباره سازی می‌کند.

چه شما موقعیت خود را تغییر دهید و چه ندهید عمل شما برای زمان حال و در زمان حال باید کاری باشد که به درد شغلی بخورد که در حال حاضر درگیر آن هستید. شما می‌توانید با استفاده مفید و مؤثر از شغلی که اینک در آن هستید و با انجام دادن کار روزانه خود به بهترین شیوه، به شغل دلخواه خود برسید. اگر کار شما وابسته به وجود فرد دیگری باشد، بوسیله ارتقاء در سطح خود یا سطح کار خود می‌توانید به آن‌ها نفوذ کنید. ارتقاء چیزی است که تمام افراد خواهان آن هستند. این اثر ماده متفکر است بر روی آن‌ها و باعث می‌شود که آن‌ها خواهان ابراز و بیان پربارتر خود باشند. تصور ارتقاء یافتن در تمام طبیعت تعبیه شده است. این ابتدایی‌ترین انگیزه در کائنات است. تمام فعالیت‌های بشر بر پایه تصور ارتقاء شکل گرفته است. مردم غذای بیشتری را طلب می‌کنند، لباس‌های بیشتر، سر پناه بهتر، تجملات بیشتر، زیبایی بیشتر، دانش بیشتر، لذت بیشتر، افزایش در همه چیز، زندگی بیشتر.

هر موجود زنده ای ضرورت برای ادامه زندگی و تکامل را درک می‌کند. زمانی که ارتقاء از زندگی حذف می‌شود، مرگ و نابودی در همان لحظه اتفاق می‌افتد. انسان‌ها بطور طبیعی این‌را می‌دانند و اجبار خود را برای درخواست بیشتر حس می‌کنند. این قانون دائمی ارتقاء برنامه ریزی شده، توسط عیسی مسیح در تمثیل با ذوقی بیان شده است: تنها از کسانی که نفع بیشتری می‌رسانند، توانگری و آنچه را که دارند گرفته نمی‌شود. (عیسی مسیح) تصور طبیعی توانگری ارتقاء یافته یک فکر شیطانی و کار غلطی نیست، بلکه تصویری الهی برای زندگی فراوان‌تر است. این مانند تنفس ضروری است زیرا این عمیق‌ترین گزینه در طبیعت ماست. تمام انسان‌ها (چه زن و چه مرد) دوست دارند با کسانی در تماس باشند که معنای بیشتری از زندگی را به آن‌ها ارزانی دارد.

بعنوان کلام پایانی در مورد پاراگراف‌های گذشته می‌توان گفت: شما بخاطر شخص خودتان است که ارتقاء می‌یابید و آنرا به هر کسی هم که با او سر و کار دارید می‌دهید. شما یک مرکز خلاق هستید که از آن ارتقاء به بیرون گسترش می‌یابد. از این موضوع مطمئن باشید و با اطمینان از کارتان آنرا به همه افراد چه زن و چه مرد و کودک و هر کسی که با آن‌ها ارتباط دارید، انتقال دهید و هدایتشان کنید. تفاوتی نمی‌کند کار شما حقیر یا کوچک باشد. حتی اگر کارتان فروختن آب‌نبات به کودکان باشد، در کارتان افکار بهبود و ارتقاء را وارد کنید و مطمئن شوید که این فکر به مشتری شما هم القاء می‌شود. فشار و نیاز به تکامل را، حتی در هر کار کوچکی که انجام می‌دهید رعایت کنید. در این صورت همه مردم این موضوع را که شما یک انسان تکامل یافته هستید دریافت می‌کنند و شما هر کسی را که با شما سرو کار دارد ارتقاء می‌دهید، حتی به کسی که در یک محیط اجتماعی آشنا می‌شوید بدون ارتباط شغلی می‌توانید فکر ارتقاء را انتقال دهید.

علم ثروتمند شدن

شما می‌توانید این نیرو را با اعتقاد به ارزش خودتان انتقال دهید، از این طریق که خودتان در راه پیشرفت و ارتقاء باشید. بگذارید این اعتقاد پراکنده شود، همه جا را پر کند و تمام اعمال شما را در بر بگیرد هر آنچه را انجام می‌دهید با این اعتقاد انجام دهید که شما انسانی تکامل یافته هستید و اینطوری است که می‌توانید تکامل را به همه انتقال دهید. هرگاه احساس می‌کنید که دارید ثروتمند می‌شوید به موفقیت خود غره نشوید و راجع به آن لاف نزنید یا در صورت عدم لزوم راجع به آن حرف نزنید. اعتقاد راسخ نیاز به لاف زدن ندارد. هر کجا یک انسان لاف‌زن را دیدید متوجه خواهید شد انسان لاف‌زن بطور مخفیانه خودش ترسیده است. به سادگی ایمان را حس کنید و بگذارید در تمام موقعیت‌ها کار کند و جاری شود. بگذارید عمل، صدا و نگاه شما این اطمینان را منتقل کند که دارید ثروتمند می‌شوید، که شما هم اکنون ثروتمند هستید. برای بیان این احساس‌ها به دیگران، کلمات ضروری نیستند آن‌ها احساس ارتقاء را در شما خواهند دید چه در زمان حال و چه زمانی که دوباره با شما روبرو شوند. شما باید این احساس را به دیگران القاء کنید. که در صورت ارتباط با شما خودشان هم ارتقاء می‌یابند. ببینید شما به آن‌ها چیز با ارزش‌تری نسبت به آنچه که از آن‌ها دریافت می‌کنید می‌دهید.

در این بابت با خودتان قراری بگذارید و بگذارید همه آن‌را بدانند و خواهید دید که بعد از آن شما هرگز کمبود ارباب رجوع نخواهید داشت. مردم به سوی جایی می‌روند که به آن‌ها ارتقاء می‌دهد و چه بهتر که باعث ارتقاء در همه چیز بشود. مردم ناخواسته به سوی شما حرکت می‌کنند، حتی کسانی که هرگز راجع به شما نشنیده بودند. شغل و بازرگانی شما به سرعت رشد خواهد کرد و شما از موفقیت‌های غیر منتظره‌ای که به سوی شما می‌آید شوکه می‌شوید. شما روز به روز در ساختن ترکیب‌ها موفق‌تر می‌شوید و در تکامل بیشتر به سوی مکان و موقعیت بهتر، رهسپار می‌شوید البته اگر آنرا از قبل تصور کرده باشید. اما انجام تمام این‌ها نباید باعث شود که هرگز تصویر ذهنی خود را از آنچه می‌خواهید از دست بدهید. ایمان و اعتقاد راسخ خود را به اینکه آنچه را که می‌خواهید دریافت خواهید کرد از دست ندهید. بگذارید یک هشدار مهم در هدایت حرکت‌هایتان بدهم. خود را از این وسوسه که قدرت را از دیگری طلب کنید بر حذر دارید. هیچ چیز برای ذهن تکامل یافته عجیب و غیرممکن نیست، پس چرا بخواهد قدرت را از دیگران گدایی کند؟

قانون اصلی جهان تصور خشنودی برای کل دنیاست. سالیان متمادی پادشاهان و بزرگان، جهان را با توی شیشه کردن خون مردم اداره می‌کردند تا حکومت خود را گسترش دهند. آن‌ها نمی‌خواستند دیگران پیشرفت کنند. آن‌ها قدرت را از مردم می‌دزدیدند. امروزه حرکت اساسی جهان در بازرگانی و صنایع یکسان است. مردم دلارهای خود را رهبری می‌کنند و کسانی را که می‌خواهند به دیگران تسلط داشته باشند را دور می‌اندازند. غول‌های تجارت مانند پادشاهان سیاسی هوس قدرت دارند. عیسی مسیح در تصور سروری بر دیگران انگیزه محرک شیطان را دید و تصمیم گرفت آنرا براندازد. فصل ۱۲۳ انجیل متی را

علم ثروتمند شدن

بخوانید و ببینید که چگونه دستگاہ (فریسی) هایی که خود را بزرگ خواندند و خود را مسلط بر دیگران می‌دیدند بر افکند و نشان داد که او به جای هوس برتری از پیروان خود، در مقابل آن‌ها فروتن است.

وسوسه قدرت را رها کنید تا برتری یابید. برای اینکه بالاترین باشید باید خدمتگزار دیگران باشید (عیسی مسیح)

ذهنی که بخواهد به دیگران ریاست کند ذهن رقابتی است و ذهن رقابتی، ذهن خلاق نیست. نخواهید که به محیط و اطرافیان خود حکومت کنید. این لازم نیست که قانونی برای پیروان خود وضع کنید. زمانی که شما با تلاش جهان، به جایگاه بالاتری دست می‌یابید به محیط و اطرافیان تسلط خواهید داشت. شروع کنید به ثروت مند شدن و زمین خود دلیلی برای شانس و طلای شما خواهد بود. از ذهن رقابتی دست بردارید. هیچ موقعیتی بهتر از یک عمل خلاقانه در آینده برای شما کاربرد نخواهد داشت.

در آخر قانون طلایی که: آنچه را که من برای خود می‌خواهم برای دیگران هم می‌خواهم

فصل پانزدهم

انسان در حال پیشرفت

موارد مطرح شده در فصول پیشین در همه افراد صادق است و فرقی نمی‌کند که آیا این افراد حقوق بگیر هستند و یا در حرفه و تجارتي مشغول بکارند. فرقی نمی‌کند شما پزشک باشید یا معلم و یا روحانی. اگر بتوانید در مسیر رشد دیگران قدم بردارید و آن‌ها را با این واقعیت رشد دهنده آشنا کنید آن‌ها را به سوی خود جذب خواهید کرد و ثروتمند خواهید شد. پزشکی که تصویر ذهنی‌اش تصویر یک شفادهنده‌ی موفق و بزرگ است و با کمال ایمان و هدف‌مندی گام بر می‌دارد تا به آن تصویر ذهنی خود برسد با توجه به مطالب مطرح شده در فصول پیشین آن‌چنان به منبع حیات نزدیک خواهد شد که بدون شک موفق خواهد شد و بیماران گروه‌گروه به او روی خواهند آورد. هر پزشکی بدون توجه به مکتبی که به آن تعلق دارد می‌تواند از آموزه‌های این کتاب به بهترین شکل ممکن بهره بگیرد زیرا که اصول شفادهی در همگان یکسان عمل می‌کنند و همه می‌توانند به یک نحو به آن‌ها دست یابند. پزشک موفقی که از خود تصویر ذهنی فردی موفق را در ذهن می‌پروراند و از قوانین ایمان تبعیت می‌کند با هدف‌مندی و سپاسگزاری از خداوند می‌تواند هر بیماری قابل درمانی را بدون توجه به این که از کدام دارو استفاده می‌کند درمان کند.

در حوزه‌ی مذهب جهان تشنه‌ی آن روحانیونی می‌باشد که بتواند در موعظه‌های خود علم حقیقی یک زندگی پربار و غنی را به مردم بیاموزد. افرادی که در کنار دانش خود در علوم دیگر بر جزئیات علم ثروت‌اندوزی تسلط دارند با بزرگ منشی و عشق ورزی می‌توانند جزئیات این علم را آموزش دهند و هرگز دچار از هم گسستگی نشوند. این آن سرود مذهبی است که جهان به آن نیاز دارد و جهان را در مسیر رشد قرار می‌دهد، به آن گوش خواهند داد و از آن فردی که این اعتقادات را به آن‌ها آموزش داده است قاطعانه حمایت خواهند کرد. نیاز کنونی جامعه‌ی ما تجلی علم حیات از مسیر آموزه‌های مذهبی است. واعظانی می‌خواهیم که نه تنها از چگونگی برای ما سخن بگویند بلکه خود بتوانند آن چگونگی را در عمل به ما نشان دهند. ما به واعظانی ثروتمند، سالم، بزرگوار و محبوب نیاز داریم تا اکتساب این ویژگی‌ها را به ما آموزش دهند و هنگام موعظه پیروان وفادار فراوانی را جذب کنند.

همین مطلب درباره‌ی آن معلمی که می‌تواند انگیزه‌ی حیات رو به رشد را با ایمان و هدف‌مندی به کودکان منتقل کند صادق است. او هرگز بیکار نخواهد شد. هر معلمی که این ایمان و هدف‌مندی را داشته باشد می‌تواند آن‌را به دانش‌آموزان خود منتقل کند. او برای رشد حیات و فعالیت‌های شخصی خود ناچار است که این آموزش‌ها را به کودکان منتقل کند. تمامی مواردی که درباره معلم، واعظ و پزشک صحت دارد در مورد وکیل، دندانپزشک، معاملات املاک، کارگزار بیمه و همه و همه صدق می‌کند. اقدام فردی را نمی‌توان از اقدام ذهنی تفکیک کرد و در جایی که اقدام فردی با اقدام ذهنی هم‌راستا باشد شکست معنایی نخواهد داشت. زن و مردی که این دستورالعمل را به طور پیوسته و با جدیت و اصرار و مو به مو اجرا کنند، ثروتمند خواهند شد. قانون حیات رو به رشد در هنگام عمل مانند یک قانون ریاضی و یا قانون جاذبه‌ی زمین دقیق عمل می‌کند.

هر فرد حقوق‌بگیری از اجتماع این موضوع را در مورد خود صادق خواهد دید. اگر در جایی کار می‌کنید که به دلیل دستمزد پائین و هزینه‌های بالای زندگی هیچ فرصتی را برای ثروتمند شدن نمی‌یابید تصویر ذهنی روشن و پر جزئیاتی از خواسته‌ی خود را شکل دهید و با ایمان و هدف‌مندی اقدام کنید. هر روز تمام آن کارهایی که می‌توانید انجام دهید را به شکلی کاملاً دقیق و با موفقیت انجام دهید. از نیروی حاصل از آن موفقیت‌های کوچک و هدف‌مندی خود در هر کاری که انجام می‌دهید در جهت ثروت‌اندوزی استفاده کنید. اما این کار را در جهت رضایت کارفرمای خود و به این امید که کار خوب شما را دیده و شما را ارتقا دهد انجام ندهید. زیرا کارفرمای شما این کار را نخواهد کرد. کارگر یا کارمندی که وظیفه‌ی خود را به خوبی انجام می‌دهد و تمام توانایی‌هایش را به کار گرفته و از کار خود راضی است از نظر کارفرمایش فرد ارزشمندی در موقعیت کنونی‌اش می‌باشد و ترفیع او به سود کارفرما نمی‌باشد. اودر جایگاه کنونی خود ارزشمندتر است. برای رشد مطمئن چیزی بیش‌تر از به انجام رساندن درست کارها در زمان حال لازم است.

فردی که اطمینان دارد رشد خواهد کرد کسی است که موقعیت کنونی خود را کم می‌بینید، تصویر روشنی از خواسته‌های خود در آینده دارد، می‌داند به آنچه در تصویر ذهنی خود می‌بیند تبدیل خواهد شد و مهم است که به خواسته‌ی خود برسد. سعی نکنید صرفاً به خاطر خشنودی کارفرما کارکنونی خود را به بهترین نحو انجام دهید، بلکه با این عقیده که می‌خواهید خودتان رشد و ترقی کنید این کار را انجام دهید. در خلال ساعات کاری، پیش از آن و پس از آن ایمان و هدف‌مندی خود را حفظ کنید. طوری به هدف خود پای‌بند بمانید که مخاطب شما هر کسی که باشد کارفرما، همکار و یا دوست، قدرت هدف‌مندی را در شما حس کند و همگان احساس رشد و ترقی را از شما بگیرند. با این کار افراد دیگر مجذوب شما خواهند شد و اگر در شغل کنونی شما فرصتی برای رشد وجود نداشته باشد شما به زودی فرصتی را در شغلی دیگر به دست خواهید آورد. قدرتی وجود دارد که در نشان دادن فرصت‌ها به انسان‌های در حال رشد و آن‌هایی که با پیروی از قانون ثروت‌اندوزی در حال پیشرفت هستند هرگز شکست نمی‌خورد. اگر به شیوه‌ای خاص عمل کنید خداوند قطعاً به شما کمک می‌کند زیرا کمک به رشد شما در واقع کمک به رشد در راستای خواسته‌های خداوند است.

موقعیت و یا شرایط کنونی شما و یا جامعه صنعتی نمی‌تواند شما را از تلاش باز دارد. در صورتی که با کارکردن در یک کارخانه‌ی فولاد نمی‌توانید ثروتمند شوید، با کارکردن در یک مزرعه‌ی ۱۰ جریبی و انجام کارها به شیوه‌ای خاص ثروتمند شوید. اگر انجام کارها به شیوه‌ای خاص را آغاز کنید مطمئناً از قید و بندهای حاکم بر صنایع فولاد رها شده و صاحب مزرعه و یا هر چیز دیگری که مایلید خواهید شد. در صورتی که هزاران نفر از کارکنان صنایع فولاد در مسیر حرکت و انجام کارها به شیوه‌ای خاص قرار بگیرند به زودی صنایع فولاد ارزش سرمایه‌گذاری خود را از دست خواهد داد و برای حفظ بقای خود مجبور خواهد بود فرصت‌ها و امکانات بهتری را در اختیار کارکنان خود قرار دهد و یا این که از صحنه‌ی تجارت حذف شود و کسی حاضر نخواهد شد در کارخانجات این صنعت کار کند.

صنایع فولاد و یا هر صنعت دیگری تا زمانی پابرجا خواهند ماند که بتوانند انسان‌ها را از ثروت‌اندوزی دور نگه دارند این در صورتی امکان دارد که کارکنان این صنایع از علم ثروت‌اندوزی بی‌اطلاع باشند و یا در عمل به جزئیات این علم سستی و کاهلی کنند. اندیشیدن و اقدام به شیوه‌ای خاص را آغاز کنید. ایمان و هدف‌مندی چشمان شما را در دیدن فرصت‌ها بیناتر خواهد کرد. فرصت‌های مناسب خیلی زود در دسترسی شما قرار خواهند گرفت زیرا که خداوند متعال در همه جا حاضر و ناظر است و فرصت‌ها را در اختیار شما قرار خواهد داد. انتظار نداشته باشید که از همان ابتدا فرصت ایده‌آلی در مقابل شما قرار داده شود. از فرصت‌های بسیار کوچکی در راستای رسیدن به خواسته‌هایتان کمک می‌کنند آغاز کنید. از فرصت‌هایی که درون شما به آن‌ها تمایل دارد آغاز کنید. این نخستین گام در جهت رسیدن به فرصتی

علم ثروتمند شدن

بزرگ‌تر است. درکائناات برای انسانی که یک زندگی در حال رشد را تجربه می‌کند هرگز کمبود فرصت وجود نخواهد داشت. در خلقت جهان همه چیز در خدمت انسان قرار داده شده است و همه کائناات و موجودات در خدمت انسانی هستند که به شیوه‌ای خاص تفکر و اقدام کند. این فرد مطمئناً باید ثروتمند شود. زنان و مردان حقوق بگیر و کم‌درآمد باید این کتاب را با دقت فراوان بخوانند و با ایمان و اعتقاد کامل به دستورات عمل‌های آن عمل کنند. آموزه‌های این کتاب شکست ناپذیر است.

فصل شانزدهم

برخی ملاحظات و نکات مهم

بسیاری از انسان‌ها این عقیده که علم دقیقی برای ثروت‌اندوزی وجود دارد را به باد مسخره می‌گیرند. آن‌ها اعتقاد دارند که منابع ثروت محدود می‌باشند. این افراد اصرار دارند که نهادهای دولتی و اجتماعی باید تغییر کنند و می‌خواهند که این تغییر حتی پیش از این که تعداد قابل توجهی از مردم صلاحیت‌های لازم را کسب کرده باشند رخ دهد. اما این موضوع اتفاق نخواهد افتاد زیرا توده‌های مردم به شیوه‌های خاص نمی‌اندیشند و عمل نمی‌کنند. اگر توده‌ها در جهت آموزه‌های این کتاب گام بردارند سیستم‌های صنعتی و دولتی نخواهند توانست حرکت رو به رشد آن‌ها را کنترل کنند و تمامی سیستم حاکم باید خود را در هماهنگی با این حرکت توده‌ها اصلاح کند. اگر مردم ذهن در حال رشدی داشته باشند، ایمان داشته باشند که ثروتمند خواهند شد و با هدفی ثابت و پایدار در جهت ثروت‌اندوزی گام بردارند هیچ چیز نمی‌تواند آن‌ها را در فقر نگه‌دارد.

تک‌تک افراد جامعه می‌توانند در هر لحظه‌ای که خود اراده کنند و تحت نظارت هر دولتی که باشند با عمل به شیوه‌ای خاص ثروتمند شوند و هنگامی که تعداد قابل توجهی از افراد دست به این کار بزنند سیستم حاکم به گونه‌ای خود را اصلاح خواهد کرد تا فرصت‌های بیشتری را در اختیار دیگران قرار دهد. هر چه تعداد افرادی که برای ثروت‌اندوزی از چارچوب رقابتی استفاده می‌کنند بیشتر شود شرایط رشد برای دیگران سخت و دشوارتر می‌شود. با وارد شدن تعداد افراد بیشتری به چارچوب خلاق ثروت‌اندوزی، شرایط رشد دیگران آسان‌تر خواهد بود. نجات و رهایی توده‌ها از چنگال فقر اقتصادی زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که افراد بیشتری از آموزه‌های این کتاب در جهت ثروت‌اندوزی استفاده کنند. این کار راه را به دیگران نشان خواهد داد، به آن‌ها انگیزه‌ی حیات واقعی را می‌دهد، این ایمان که می‌توانند به خواسته‌های خود برسند را در آن‌ها تقویت می‌کند و هدفی را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد که برای آن تلاش کنند.

حال کافی است که بدانید سیستم رقابتی و یا سرمایه‌داری حاکم بر صنعت مانع ثروت‌اندوزی ما نخواهند شد بلکه این شک و تردید و دودلی است که ما را از رشد باز می‌دارد. به محض پانهادن به چارچوب خلاق اندیشه تمامی این شک و تردیدها رخت بر می‌بندند و گویی به جهان دیگری گام می‌گذارید. اما فراموش نکنید که اندیشه‌ی شما همواره باید در راستای چارچوب خلاق باشد. فریب محدود بودن منابع را نخورید، منابع نامحدودند، هیچ‌گاه در هیچ سطحی یک حرکت رقابتی را آغاز نکنید. در هر جا که خود را در معرض هجوم افکار کهنه و پوسیده‌ی رقابتی یافتید فوراً جهت‌گیری خود را عوض کنید. ذهن رقابتی نمی‌تواند در هماهنگی کامل با خواسته‌های خداوند قرار بگیرد. هیچ‌گاه زمان خود را صرف برنامه‌ریزی جهت رویارویی با شرایط اضطراری در آینده نکنید و این کار را فقط در صورتی انجام دهید که سیاست‌های اضطراری موجود بر اقدامات آن روز شما تأثیر مثبت داشته باشند. شما باید کارهای هر روزتان را با موفقیت انجام دهید و نباید خود را درگیر شرایط اضطراری احتمالی فردا کنید. مشکلات فردا را در زمان وقوع حل کنید.

خود را با پرسش‌هایی هم‌چون چگونگی حل مسائلی که در آینده فرا روی شما قرار خواهند گرفت نگران نکنید مگر این‌که با تغییر در مسیر حرکت خود بتوانید جلوی آن مشکلات را بگیرید. بزرگی موانع از فاصله‌ی دور اصلاً اهمیتی ندارد، اگر به شیوه‌ای خاص عمل کنید به زودی خواهید فهمید که با نزدیک شدن به آن موانع، آن‌ها به خودی خود ناپدید می‌شوند و یا راهی برای غلبه بر آن‌ها بر شما آشکار خواهد شد. هیچ شرایطی نمی‌تواند مرد یا زنی که در مسیر علمی دستیابی به ثروت قرار گرفته است را مغلوب خود کند. شکست برای زن و مردی که در مسیر ثروت‌اندوزی با پیروی از این قوانین قرار گرفته باشد معنایی ندارد. مثال آن مانند کسی است که عدد ۲ را در عدد ۲ ضرب کند و نتیجه‌ای غیر از عدد ۴ بدست آورد. هرگز نگران فاجعه‌های احتمالی، موانع، سختی‌ها و شرایط نامطلوب نباشید. هنگام مواجهه با هر کدام از موارد فوق فرصت کافی برای رویارویی با آن‌ها را خواهید داشت و خواهید دانست که در دل هر مشکلی راه حل آن نیز نهفته است و فقط باید هشیار بود.

مواظب سخن گفتن خود باشید. هرگز از خود، مسائل کاری‌تان و یا هر چیز دیگری که به شما مربوط است با لحنی نا امید کننده صحبت نکنید. هیچ‌گاه احتمال شکست را نپذیرید و طوری صحبت نکنید که احتمال شکست را نشان دهد. هرگز نگویید که زمانه و روزگار دشواری دارید، نگویند شرایط تجاری موجود نامطمئن هستند. زمانه و روزگار برای کسانی دشوار است که در چارچوب رقابتی فعالیت می‌کنند. عدم اطمینان از شرایط تجاری برای آن‌هایی معنا دارد که در چارچوب رقابتی ثروت‌اندوزی می‌کنند، اما برای شما که در چارچوب خلاق فعالیت می‌کنند هرگز این مسائل وجود نخواهند داشت، شما می‌توانید خواسته‌ی خود را خلق کنید. از هیچ چیزی هراس به دل راه ندهید. آن هنگام که زمانه بر دیگران سخت می‌گیرد و امور تجاری آن‌ها ضعیف عمل می‌کند شما بهترین فرصت‌ها را خواهید یافت. به خود یاد

بدهید که جهان را به گونه‌ای ببینید که گوئی در حال شدن است، در حال رشد و فزونی یافتن است. هر چیز شری که در جهان وجود دارد در واقع موجود تکامل نیافته و رشد نکرده‌ای است. همواره صحبت‌های خود را بر مبنای رشد، جهت دهید در غیر این صورت ایمان خود را انکار خواهید کرد و انکار ایمان به معنای از دست دادن آن ایمان است.

هرگز ناامید نشوید. شاید انتظار دریافت موقعیت و یا شیء خاصی را در زمان خاصی داشته باشید و در آن زمان به دست شما نرسد در آن صورت خود را شکست خورده ندانید اگر برایمان خود راسخ و پابرجا بمانید درمی‌یابید که شکست صرفاً ظاهری است و واقعیت ندارد. عمل کردن به شیوه‌ای خاص را ادامه دهید و در صورتی که به آن شیء یا موقعیت دست نیافتید مطمئن باشید بهتر از آن را بدست خواهید آورد و خواهید دید که آن شکست ظاهری در اصل موفقیتی بسیار عظیم بوده است. شخصی که در حال فراگیری دانش مطرح شده در این کتاب بود این ذهنیت را داشت که انجام چند تجارت خاص او را به نتایج مطلوبی خواهد رسانید و چند هفته را صرف انجام آن کارها کرد. در زمانی که منتظر نتایج بود به نظر می‌رسید که به طور غیرقابل توصیفی شکست خورده است، مثل این که یک نیروی نامرئی به شکلی مرموز بر ضد او فعالیت می‌کرده است.

با این حال او ناامید نشد. او خداوند را شکر می‌کرد که او را هدایت می‌کند و با ثبات قدم و با ذهنی سرشار از سپاسگزاری به کار خود ادامه داد. ظرف چند روز فرصتی بسیار بزرگ‌تر و بهتر پیش روی او قرار گرفت که اگر آن شکست ظاهری وجود نداشت هرگز نمی‌توانست به این فرصت دست پیدا کند. او دریافت که ذهن برتری که بیش از او می‌دانست با آن شکست ظاهری در واقع مانع شده است که او این فرصت گرانبها را از دست دهد.

شکست‌های ظاهری همواره به همین صورت خواهند بود. بر ایمان خود راسخ و پابرجا بمانید، به هدف خود پایبند باشید، سپاسگزار باشید و هر روز تمامی کارهای آن روز را انجام دهید و هر فعالیتی را با موفقیت به پایان برسانید. به خاطر داشته باشید که علت شکست این است که به اندازه‌ی کافی طلب نکرده‌اید، استقامت به خرج دهید و مطمئن باشید فرصت‌هایی بیش‌تر از آنچه در جستجوی آن هستید به شما روی خواهند آورد. بحث چگونگی شکوفاسازی استعدادها از محدوده‌ی این کتاب خارج است با این حال این فرآیند به همان سادگی و دقت فرآیند علم ثروت‌اندوزی است. به دلیل ترس از عدم توانایی هنگام مواجه شدن با موقعیتی خاص تردید نکنید و شک به دل راه ندهید. به حرکت خود ادامه دهید، هنگام روبرو شدن با آن موقعیت خاص توانایی‌های لازم را کسب خواهید کرد. «لینکولن رئیس جمهوری آمریکا» هیچ آموزشی درباره‌ی اداره‌ی کشور ندیده بود، همان منبع نیرویی که او را در اداره کشور یاری کرد شما را نیز یاری خواهد کرد. شما تمامی دانش لازم برای به زمین نهادن موفق باری که بر دوش شماست را کسب خواهید کرد.

با ایمان راسخ به حرکت خود ادامه دهید. این کتاب را مطالعه کنید و تا زمانی که بر تمامی ایده‌های مطرح شده در آن تسلط کامل پیدا کنید همواره آن را به همراه داشته باشید. با شادی و خوشی سعی کنید به ایده‌های مطرح شده در این کتاب ایمان بیاورید. از محیط‌هایی که عقاید متضادی را آموزش می‌دهند دور بمانید و در سخنرانی‌ها و مراسم که این عقاید مخالف را به بحث می‌گذارند شرکت نکنید. آثار مکتوب منفی و مخالف با این کتاب را مطالعه نکنید و دربارهی مطالب مطرح شد در این کتاب وارد بحث و مجادله نشوید. می‌توانید آثار نویسندگانی که از آن‌ها در مقدمه نام برده‌ام را مطالعه کنید. پیش‌تر زمان خود را صرف تعمق و تفکر بر تصویر ذهنی، پرورش حس سپاسگزاری و مطالعه‌ی این کتاب کنید. این کتاب تمامی نیاز شما را در ارتباط با علم ثروت‌اندوزی برطرف می‌کند. در فصل بعد خلاصه‌ای از مطالب ضروری آورده شده است.

صل هفدهم

خلاصه‌ی علم ثروت‌اندوزی

جوهره‌ی اندیشمندی وجود دارد که منشاء خلق همه‌ی اشیاء می‌باشد که در حالت اصیل خود در سرتاسر کائنات پراکنده شده و نفوذ کرده است و فضاها را پر کرده است. القاء تصویر هر اندیشه‌ای بر این جوهره می‌تواند آن اندیشه را در واقعیت خلق کند. انسان می‌تواند اشیاء را در اندیشه‌ی خود تصور کند و با القاء این اندیشه‌ها به جوهره‌ی بی‌شکل آن اندیشه‌ها را بیافریند. انسان برای انجام این کار باید از ذهن رقابتی به ذهن خلاق روی آورد در غیر این صورت نخواهد توانست در هماهنگی باهوش کیهانی قرار گیرد زیرا ماهیت هوش کیهانی همواره خلاق است و هرگز رقابت نمی‌کند انسان می‌تواند با سپاسگزاری خالصانه و عمیق از تمامی نعمت‌هایی که به او عطا شده است در هماهنگی کامل با جوهره‌ی بی‌شکل قرار گیرد. سپاسگزاری ذهن انسان را در وحدت کامل با جوهره‌ی هوشمند قرار می‌دهد و در نتیجه‌ی آن است که جوهره‌ی اندیشمند آن اندیشه‌های انسان را دریافت خواهد کرد. انسان صرفاً در وحدت کامل باهوش کیهانی بی‌شکل و از طریق احساس عمیق و مداوم سپاسگزاری است که می‌تواند در چارچوب خلاق باقی بماند.

انسان باید تصویر ذهنی روشن و پر جزئیاتی از آرزوها و خواسته‌های خود، کارهایی که می‌خواهد انجام دهد و یا آن چیزی که می‌خواهد بشود را در ذهن خود ترسیم کند و با احساس سپاسگزاری عمیق از خداوند متعال به خاطر این که تمامی تمایلاتش را برآورده است این تصویر را همواره در ذهن خود حفظ کند. انسان آرزومند ثروت‌اندوزی باید اوقات فراغت خود را صرف تعمق و تفکر بر هدف خودکرده و در تمامی این

مدت خالصانه به دلیل دریافت خواسته‌ی خود سپاس گذار باشد. تعمق و تفکر مداوم بر تصویر ذهنی باید با ایمانی راسخ و سپاسگزاری توأم باشد. تعمق و تفکر مداوم بر تصویر ذهنی به همراهی ایمان راسخ و سپاسگزاری خالصانه و خالصانه اهمیت فراوانی دارد. با طی این فرآیند خواسته‌های شما به جوهره‌ی بی‌شکل القاء می‌شود و نیروهای خلاق به حرکت درمی‌آیند.

انرژی‌های خلاق با استفاده از کانال‌های از پیش تعیین‌شده‌ای در راستای رشد طبیعی عمل می‌کنند و این کانال‌ها در یک نظام صنعتی و اجتماعی قرار داده شده‌اند. کسانی که با دقت و ایمانی راسخ به دستورالعمل‌های این کتاب عمل کنند آن تصویر ذهنی از خواسته‌ی خود که بر جوهره القاء نموده‌اند را دریافت خواهند کرد. انسان از طریق روش‌های معمول تجاری و معاملاتی موجود در جامعه به خواسته‌های خود می‌رسد. فردی که می‌خواهد خواسته‌ی خود را به محض رسیدن آن دریافت کند باید فعال باشد و این فعالیت باید فراتر از نقش کنونی وی باشد. او باید این هدف را در ذهن خود حفظ کند که از طریق درک و شناخت تصویر ذهنی ثروتمند خواهد شد. او باید روزانه تمامی کارهای مربوط به آن روز را با موفقیت انجام دهد، او باید به هر فرد بیش از آن ارزش مادی که از او دریافت می‌کند ارزش معنوی عطا کند به طوری که در هر معامله حیات رو به رشدی خلق شود، باید در ذهن خود به این اندیشه‌ی متعالی پایبند باشد که یک تفکر افزایشی و رو به رشد را به تمامی کسانی که در تماس با او قرار دارند منتقل کند.

هر مرد یا زنی که دستورالعمل‌های بالا را به کار گیرد ثروتمند خواهد شد اما میزان آن ثروت رابطه‌ی مستقیمی با دقت و وضوح تصویر ذهنی، ثبات هدف، پایداری و ایمان و عمق سپاسگزاری او دارد

پایان



JUST ONE CLICK!

WWW.VISION-SCHOOL.COM

